

رشد امور راهنمایی

مانانم آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره هفدهم • آبان ۱۳۹۰ • شماره پی در پی ۹۲

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: محمد رضا حاشمی
شورای برنامه ریزی و کارشناسی: علی رضا صادقی میاب
منصور ملک عباسی، علی اصغر جفریان
فرحتنما حدادی و لیلی محمد حسین
مدیر داخلی: فاطمه محمودیان
ویراستار: کبری معمودی
طرح گرافیک: مهدی کرم خانی
نشانی دفتر مجله: تهران، ابراشهر شمالی، پلاک ۶۴
صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹
تلفن: ۸۸۷۹-۰۲۲
نامه: ۸۸۳۰-۱۴۷۸
وبگاه: www.roshdmag.ir
رایانه‌ام: rahnamayi@roshdmag.ir
تلفن پیام‌گیر شریعت رشد: ۸۸۴۰-۱۴۴۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲ کد سردبیر: ۱۱۵ کد مشترکین: ۱۴
نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱
تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۵-۷۷۳۳۶۶۵۵
شماره گان: ۱۷۵۰۰ نسخه
چاپ: شرکت است (سهامی عام)

روی جلد: امیر نساجی

قابل توجه نویسنده‌گان و مترجمان محترم

- قلب مدرسه / محمدرضا حشمتی / ۲
- معلمان، پهلوانان پیروز / دکتر محمدرضا اسدی یونسی، مرضیه سپاهی / ۳
- چیدمان خلاق / ثمانه ایروانی / ۶
- دروغ آشنایی که هیچ کس باور نمی‌کند / سمانه آزاد / ۸
- عظمت باید در نگاه تو باشد / جعفر ربانی / ۱۲
- آب برای تشننه‌ها / ترجمة حبیب یوسف زاده / ۱۴
- لذت یادگیری انتخابی است / ۱۷
- فرهنگ‌نامه بازی / سپیده شهیدی / ۲۰
- افکار منفی، حباب روی آب است / ترجمة معصومه خیرآبادی / ۲۲
- یادگیری خلاق / محمد شاکر، مهدی رضاییان / ۲۴
- تو را صدا می‌کنیم، تو را می‌خوانیم / علی اصغر جعفریان / ۲۶
- ۳ هفت سال، ۳ رفتار / فیروزه فلاح، مهسا رضوی، بهاره خلیل‌زاده / ۲۷
- احترام متقابل در کلاس درس / لیلی محمد حسین / ۳۰
- مهارت «نه» گفتن را بیاموزیم / سپیده شهیدی / ۳۲
- مجردات بخوانند، متأهل‌ها حتماً بخوانند / دکتر فرحتنما حدادی / ۳۶
- از پله‌ها بالا بروید / ترجمة مریم نصیری / ۳۸
- آمیزش تصویر و روایت / علی اکبر کمالی‌نهاد، محمد بهاری / ۴۰
- باز موضوعی تازه / سید عبدالعلی هاشمی ارسنجانی / ۴۲
- آچار فرانسه باشیم / فاطمه عابدی / ۴۵
- ارزش‌یابی گروهی / شاکرم عبدی پور / ۴۶
- الهی... / ۴۸

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و ساختارین مجله مرتبط باشد و قابل در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانوای داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان‌چه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قبیل تقریب می‌داند.
- مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم افزار word و روی سی دی با از طرق رایانه‌ام مجله ارسال شوند.
- نظر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب از اهای علمی و فنی دقت لازم می‌باشد.
- محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود.
- مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پایان نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
- کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج شوند.
- مقاله باید دارای تیرا اصلی، تیرتیه‌ای فرعی در متن و سوتیر باشد.
- معرفی نامه کو تاهمی از نویسنده با ترجمه همراه یک قطعه عکس، عنوانین و آثار وی پیوست شود.
- مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است.
- مقالات دریافتی بازگردانده، نمی‌شود.
- آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



کتابخانه مدرسه مجموعه‌ای سازماندهی شده از منابع مکتوب و غیرمکتوب است که در محلی مشخص از مدرسه، برای دانشآموزان و معلمان ایجاد می‌شود. این مکان که وظیفه‌اش مشارکت در دست‌یابی به اهدافی است که آموزش‌وپرورش تعیین کرده است، پاسخ‌گوی نیازهای آموزشی، تحقیقاتی، اطلاعاتی و فردی دانشآموزان و معلمان است. به همین دلیل، وجود کتابخانه در هر مدرسه، امری ضروری است و باعث ترویج سعاد خواندن و بالا رفتن فرهنگ کتابخوانی می‌شود.

بر همین اساس، کتابخانه از جمله نیازهای اساسی در آموزش‌وپرورش محسوب می‌شود و در صورت حذف یا عملکرد ضعیف آن، چه بسا آموخته‌های دانشآموزان گسترش چندانی نیابد و فقط به مطالب کتاب‌های درسی خلاصه شود. کتابخانه مدرسه اگر به طور صحیح به ایفای نقش خود در راهنمایی دانشآموزان به سوی کتاب بپردازد، مانند اهرمی سبب تسهیل و پیشرفت آموزش‌وپرورش می‌شود.

در حال حاضر، نقش کتابخانه‌ها به عنوان یکی از زیرساخت‌های جامعه اطلاعاتی و نظام خودآموزی سعاد اطلاعاتی، پژوهشگر شده است؛ به طوری که دست‌یابی به جامعه اطلاعاتی، بدون توجه به کتابخانه‌ها، امکان ندارد. اگر آموزش‌وپرورش می‌خواهد افراد تحصیل کرده آن همواره به خودآموزی بپردازند، باید با برنامه‌ریزی صحیح و بر منای استانداردهای سعاد اطلاعاتی، نظام آموزشی مخصوص به خود را طراحی و ایجاد کند تا دانشآموزان از ابتدادر کتابخانه آموزش خواندن و نوشتن، روش‌های دست‌یابی به اطلاعات مفید را فراگیرند. توجه به مقوله سعاد اطلاعاتی در کتابخانه مدرسه، امری ضروری است و نشان‌دهنده نقش پررنگ و تعیین‌کننده کتاب‌دار است. چنان‌که مقام معظم رهبری در سخنان مهم خود در تاریخ ۹۰/۴/۲۹ می‌فرمایند: کتاب‌دار صرفاً آن کسی نیست که خدمت آوردن و دادن کتاب را به عهده می‌گیرد. کتاب‌دار می‌تواند منبع و منشاً و مرجعی باشد برای راهنمایی مراجعه‌کنندگان به کتاب.

نقش حیاتی معلمان در ایجاد انگیزه برای راهنمایی کتابخانه مدرسه، امر مهمی است که می‌تواند یکی از عناصر مهم در ترغیب دانشآموزان به امر کتاب و کتابخوانی باشد.

هم‌چنین همه دست‌اندرکاران آموزش‌وپرورش، مدیران مدارس و معلمان، در تأمین نیازهای کتابخانه مسئولیت دارند، اما حضور کتاب‌داری متخصص در امر هدایت و آموزش دانشآموزان، نکته‌ای مهم در کتابخانه‌های مدارس است. بعضی از صاحب‌نظران، کتابخانه را به قلب مدرسه شبیه کرده‌اند. پس مدرسه بدون کتابخانه، در حکم بدنی است که قلب ندارد؛ البته کتابخانه‌ای که کتاب‌هایش با نیازها و رغبات‌های دانشآموزان و معلمان مناسب باشد، و گرنه انبیار کتاب خواهد شد. قلب به خون تازه حاوی اکسیژن نیاز دارد تا بتواند حرکت و انرژی ایجاد کند. کتابخانه نیز به کتاب‌های جدید نیاز دارد تا بتواند روح نشاط، پژوهش و یادگیری را در آموزش‌وپرورش بهبود بخشد. ما معلمان نیز در ایجاد این جریان نقش مهمی داریم. به نظر شما نقش معلمان در قبال کتابخانه مدرسه چیست؟

دکتر محمد رضا اسدی یونسی
مرضیه سپاهی

معلم کاپرالان پرور

کندوکاوی در باب «خودکارامدپنداری معلم»

در بخش پیشین این نوشه اشاره شد که یکی از عوامل زیربنایی و مهم در شغل معلمی، باورهای معلمان درباره خود، دانش آموزان، یادگیری و تدریس است. در آن مقاله، به باورهای معلمان درباره دانش آموزان پرداختیم و در این مقاله، به باورهای معلم درباره خودش، تحت عنوان «معلمان، پهلوانان پیروز» می پردازیم.

کارامدی معلم

طی ربع قرن گذشته، سازه کارامدی معلم، توجه قابل ملاحظه‌ای را به خود اختصاص داده است. تعداد روزافزونی از فرهیختگان در حوزه آموزش و پرورش، احساس کارامدی ادراک شده توسط معلم را متغیری قدرتمند و زیربنایی در اثربخشی تدریس و یادگیری معرفی کرده‌اند. خودکارامدپنداری یعنی فرد معتقد است می‌تواند با رفتار و کردار مناسب، پدیده‌ها را برای رسیدن به وضعیت مطلوب خود، سازماند دهد [مرتضوی، ۱۳۸۳]. افراد دارای خودکارامدی بیشتر، از لحاظ احساس شایستگی، انگیزش درونی، قدرت انتخاب، تعهد به هدفها و پشتکار در برابر تکلیف‌های چالش‌انگیز، نسبت به افراد دارای خودکارامدی کمتر در سطح بهتری قرار می‌گیرند.

تعريف کارامدی معلم

اصطلاح‌های «کارامدی معلم»، «احساس کارامدی معلم» و «خودکارامدی معلم»، به عنوان باور معلم نسبت به توانایی اش در تأثیر گذاردن مثبت بر یادگیری دانش آموز [اشتون، ۱۹۸۵؛ وولفولک و همکاران، ۱۹۹۰]، «باورهای معلمان درباره مهارت‌ها و توانایی‌هایشان در دست‌یابی به نتایج مطلوب یادگیری توسط دانش آموزان» [اسالکوسکی و همکاران، ۱۹۸۸] یا «قضایت معلم درباره توانایی‌ها و قابلیت‌هایش در رسیدن به نتایج مطلوب در یادگیری و فعالیت دانش آموز، حتی در مورد دانش آموزانی که مشکل دار



قادرند بر انگیزه دانشآموzan در خصوص یادگیری تأثیر گذارند و در نتیجه کارامدی تحصیلی دانشآموzan را هم افزایش دهنند.

کارامدی معلم همچنین با رفتار او در جنبه‌های گوناگون همپستگی دارد. معلمان با کارامدی زیاد، اولاً انتظارهای زیادی از دانشآموزانشان دارند. آن‌ها احتمالاً برای دانشآموزانی که پیشرفت می‌کنند، هدفهای بیشتری در نظر می‌گیرند. ثانیاً در مدیریت کلاس تصریح بیشتری دارند. آن‌ها سطوح وسیع تری از برنامه‌ریزی و سازماندهی را به نمایش می‌گذارند، فعالیتها را براساس رویکرد تدریس سازگار می‌کنند و استقلال و آزادی عمل یادگیرنده را افزایش می‌دهند. همچنین، در مواجهه با خطاهای دانشآموzan، کمتر انتقادی برخورد می‌کنند. ثالثاً تعهد حرفه‌ای بیشتری از خود نشان می‌دهند. آن‌ها آکنده از شوروش‌سوق و مشتاق تدریس هستند. هنگام مواجهه با شکست دانشآموز و مشکلات تدریس، استقامت و تحمل بیشتری نشان می‌دهند. رابعاً نسبت به دانشآموzan با توانایی پایین‌تر، نگرش‌های مثبتی نشان می‌دهند. آن‌ها مایل‌اند که با این‌گونه دانشآموzan در کلاس خودشان کار کنند، تا این‌که آن‌ها را به کلاس‌های ویژه و تحت آموزش خاص ارجاع دهند.

نحوه نمره‌گذاری به این صورت است که به پاسخ هیچ نمره 0 ، خیلی کم نمره 1 ، کم نمره 2 ، نسبتاً زیاد نمره 3 ، زیاد نمره 4 ، و خیلی زیاد نمره 5 داده می‌شود. سپس نمرات با هم جمع می‌شوند. حداقل و حداکثر نمره به ترتیب برابر با 0 و 60 است. کسب نمره بیشتر، به معنای بالا بودن احساس خودکارامدی معلم است.

منابع

1. مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۳). روابط متقابل بین خودکارامدینباری و ادراک حمایت از سوی خانواده، معلمان و دوستان نزدیک در ارتباط با رضایت از زندگی در نمونه‌هایی از دانشآموzan دیبرستانی شهر تهران. مجله نوآوری‌های آموزشی تابستان ۱۳۸۳، شماره ۸.
2. Ashton, P. T.; Webb, R. B.. Making a difference: Teachers' sense of efficacy and student achievement; Longman: New York, 1986.
3. Bandura, A. Self-efficacy: Toward a Unifying Theory of Behavioral Change. Psychological Review 1977, 84, 191- 215.
4. Bandura, A.. Social foundations of thought and action: A social cognitive theory; Englewood Cliffs, Eds.; Prentice Hall: NJ, 1986.
5. Bandura, A.. Self-efficacy in Changing Societies; Cambridge University Press: New York, 1996.
6. Bandura, A.. Self-efficacy: The Exercise of Control; W. H. Freeman and Company: New York, 1997.
7. Tschannen-Moran, M., & Woolfolk Hoy, A. (2001). Teacher efficacy: Capturing and elusive construct. Teaching and Teacher Education, 17, 783- 805.
8. Woolfolk, A. E., & Hoy, W. K., (1990). Prospective teachers' sense of efficacy and beliefs about control, Journal of Educational Psychology, 82, 81- 91.
9. Woolfolk, A. E., Rosoff, B., & Hoy, W. K. (1990). Teachers' sense of efficacy and their beliefs about managing students. Teaching and Teacher Education, 6, 137- 148.
10. Yang Jie - Ying (2011) Teacher Efficacy and College English Teaching - Asia- Pacific Science and Culture Journal Vol. 1 , No. 1 , 34- 42 WWW. ieit - web. Org/ apscj .

یا بی‌انگیزه هستند [چانن-موران، وولفولک هوی، ۲۰۰۱] تعریف شده است. اگرچه نویسنده‌گان گوناگون اصطلاح کارامدی معلم را به روش‌های مختلفی تعریف کرده‌اند، اما در این‌که باورهای معلم درباره شایستگی‌ها و صلاحیت‌های خودش مهم است، اشتراک نظر دارند.

دو منبع اصلی

به لحاظ تاریخی، دو منبع اصلی در شکل‌گیری «کارامدی معلم» وجود دارد [چانن-موران، وولفولک هوی و هوی، ۱۹۹۸]. اولین منبع آن در نظریه‌جایگاه کنترل «راتر» پایه‌گذاری شد. جایگاه کنترل یعنی به میزانی که افراد باور دارند، می‌توانند حداثه‌ها و رویدادهایی را که برای آن‌ها اتفاق می‌افتد، کنترل کنند. دو نوع جایگاه کنترل وجود دارد: درونی و بیرونی. افراد دارای جایگاه کنترل درونی معتقدند که اعمال و رفتار خودشان تعیین‌کننده پاداش‌هایی است که به دست می‌آورند. آن‌ها تمایل دارند بپذیرند که مهارت‌ها، توانایی‌ها و تلاش‌های خودشان تعیین‌کننده تجربه‌های زندگی آن‌هاست. افراد با جایگاه کنترل بیرونی بر این باورند که زندگی آن‌ها با رفتارهای خودشان تعیین نمی‌شود، بلکه با منبع‌ها و نیروهای خارج از خودشان از قبیل قضاؤقدر، شناس و تصادف رقم می‌خورد. از آن‌جا که کارامدی معلم با اصطلاح‌های جایگاه کنترل مفهوم‌سازی می‌شود، کارامدی معلم را می‌توان به میزانی که معلمان باور دارند، عوامل تحت کنترل آن‌ها تأثیر بیشتری بر نتایج تدریس دارد تا باور به این‌که عوامل محیطی قدرت بیشتری دارند، در نظر گرفت [چانن-موران، وولفولک هوی و هوی، ۱۹۹۸].

براساس این نظریه، معلمان دارای جایگاه کنترل درونی قادرند به دانشآموzan دشوار و بی‌انگیزه نیز درس بدeneند و به پیشرفت زیادی در تدریس خود دست یابند؛ در حالی که معلمان با جایگاه کنترل بیرونی، به تدریس خود کمتر اطمینان دارند و معتقدند که محیط و عوامل محیطی در مقایسه با توانایی تدریس آن‌ها، تأثیر بیشتری بر یادگیری دانشآموز دارد.

نظریه‌شناختی-اجتماعی

دومین حوزه پژوهش درباره کارامدی معلم، در نظریه شناختی- اجتماعی بندورا (۱۹۷۷) ریشه دارد که توسط اکثر پژوهشگران این حوزه، به عنوان مبنای اصلی برای پژوهش درباره کارامدی معلم پذیرفته شده است. نظریه «خودکارامدپنداری» به تفصیل در آثار بندورا (۱۹۹۴)، بندورا و همکاران (۱۹۹۷)، و صدری و رابرتسون (۱۹۹۳) توضیح داده شده است. ما برای اجتناب از طولانی شدن کلام، از این توضیحات صرف نظر می‌کنیم.

کارامدی معلم و انگیزش

در اهمیت کارامدی معلم می‌توان گفت، این ویژگی با یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانشآموzan، و انگیزش و نگرش آن‌ها به موضوع درسی رابطه مثبت دارد [مور و ایسل من، ۱۹۹۲؛ راس، ۱۹۹۲]. معلمان با کارامدی زیاد،

مقیاس احساس کارامدی معلم (فرم کوتاه)

لطفاً نظر خود را درباره هر یک از سؤالات با گذاشتن علامت × مشخص فرمایید.

| ردیف | سؤال | هیچ | خیلی کم | کم | نسبتاً زیاد | زیاد | خیلی زیاد | نمره |
|----------------------|--|-----|---------|----|-------------|------|-----------|------|
| ۱ | چهقدر قادرید رفتارهای ناجور و نامناسب را در کلاس درس کنترل کنید؟ | | | | | | | |
| ۲ | چهقدر قادرید در دانش آموزانی که به کارهای مدرسه علاقه چندانی نشان نمی دهند، اینگیزه ایجاد کنید؟ | | | | | | | |
| ۳ | چهقدر قادرید در دانش آموزان این باور را به وجود آورید که آن ها می توانند در مدرسه خوب عمل کنند؟ | | | | | | | |
| ۴ | چهقدر قادرید به دانش آموزان کمک کنید که برای یادگیری ارزش قائل شوند؟ | | | | | | | |
| ۵ | به چه میزان می توانید برای دانش آموزان خود، سؤال های خوبی طرح کنید؟ | | | | | | | |
| ۶ | چهقدر قادرید دانش آموزان را متقدعاً کنید که از قوانین و مقررات کلاس پیروی کنند؟ | | | | | | | |
| ۷ | چهقدر قادرید دانش آموزی شلغ و غیر منضبط را آرام کنید؟ | | | | | | | |
| ۸ | چهقدر می توانید یک نظام مدیریت کلاس را با هر قشری از دانش آموزان ایجاد کنید؟ | | | | | | | |
| ۹ | چهقدر می توانید راهبردهای متنوع سنجش و ارزش بابی را به کار ببرید؟ | | | | | | | |
| ۱۰ | به چه میزان می توانید زمانی که دانش آموزان دچار ابهام و سردرگمی شده اند، توضیح یا مثال دیگری برای فهم مطلب ارائه دهید؟ | | | | | | | |
| ۱۱ | چهقدر قادرید مشارکت خانواده ها را در کمک به فرزندانشان برای عملکرد بهتر در مدرسه، جلب کنید؟ | | | | | | | |
| ۱۲ | چهقدر می توانید راهبردهای جای گزین را در کلاس خود اجرا کنید؟ | | | | | | | |
| جمع امتیاز (نمره کل) | | | | | | | | |

کارایی ندارد و نمی‌تواند دانش‌آموز محوری را به خوبی نشان دهد.

مدل شمارهٔ دو

این مدل با مدل قبل کمی تفاوت دارد. بچه‌ها بیشتر در آن چه فرامی‌گیرند نقش دارند و می‌توانند کارهای دو نفره انجام دهند. در این چیدمان ناخوداگاه یادگیری با همسالان افزایش می‌یابد و معلم بهتر می‌تواند بین بچه‌ها برود. حرکت بچه‌ها و آزادی آن‌ها نسبت به مدل قبلی بیشتر است و راحت‌تر می‌توانند کارهای خود و دانش‌آموز مقابله یا اطراف را ببینند.

مدل شمارهٔ سه

در این مدل بچه‌ها می‌توانند گروههای چهار نفره تشکیل دهند. کارگروهی بیشتر معنا پیدا می‌کند و دانش‌آموز محوری بسیار پررنگ‌تر از معلم محوری است. در واقع، نقش خدآگونه معلم در کلاس حذف و به هدایت‌گری تبدیل می‌شود و معلم می‌تواند انواع کارهای گروهی را برای بچه‌ها طرح، برنامه‌ریزی و اجرا کند. این مدل در بسیاری از مدرسه‌های نوین جهان و در تعداد کمی از مدرسه‌های خوب ایران تثبیت شده است و آن‌ها دیگر از مدل شمارهٔ یک استفاده نمی‌کنند.

مدل شمارهٔ چهار

کلاس به سه گروه یا دو گروه بزرگ (بسته به تعداد دانش‌آموزان) تبدیل می‌شود. نقش کارگروهی بسیار پررنگ‌تر از کار تک‌تک افراد است و هرگاه معلم در روش تدریس خود می‌خواهد به دانش‌آموزان تصمیم‌گیری‌های بزرگ‌تری نسبت به آن چه فرامی‌گیرند، یاد بدهد، از این چیدمان استفاده می‌کند. هر گروه یک سرپرست خواهد داشت و می‌تواند کار خود را به گروه بزرگ‌تر دیگر ارائه دهد یا به صورت سeminari، راجع به کارگروهی خود توضیح دهد.

مدل شمارهٔ پنجم

این مدل شبیه مدل‌های ۳ و ۴ است، با این تفاوت که تعداد گروه‌ها نه زیاد و نه کم است. می‌توان چند موضوع متفاوت از یک درس را به بچه‌ها داد و از آن‌ها خواست تجربه‌های خود را در کلاس ارائه دهند. معلم نیز نقش هدایت‌کننده دارد. دانش‌آموزان در ذهن خود ابتدا پرسش را طرح می‌کنند و بعد به کشف پاسخ می‌پردازند.

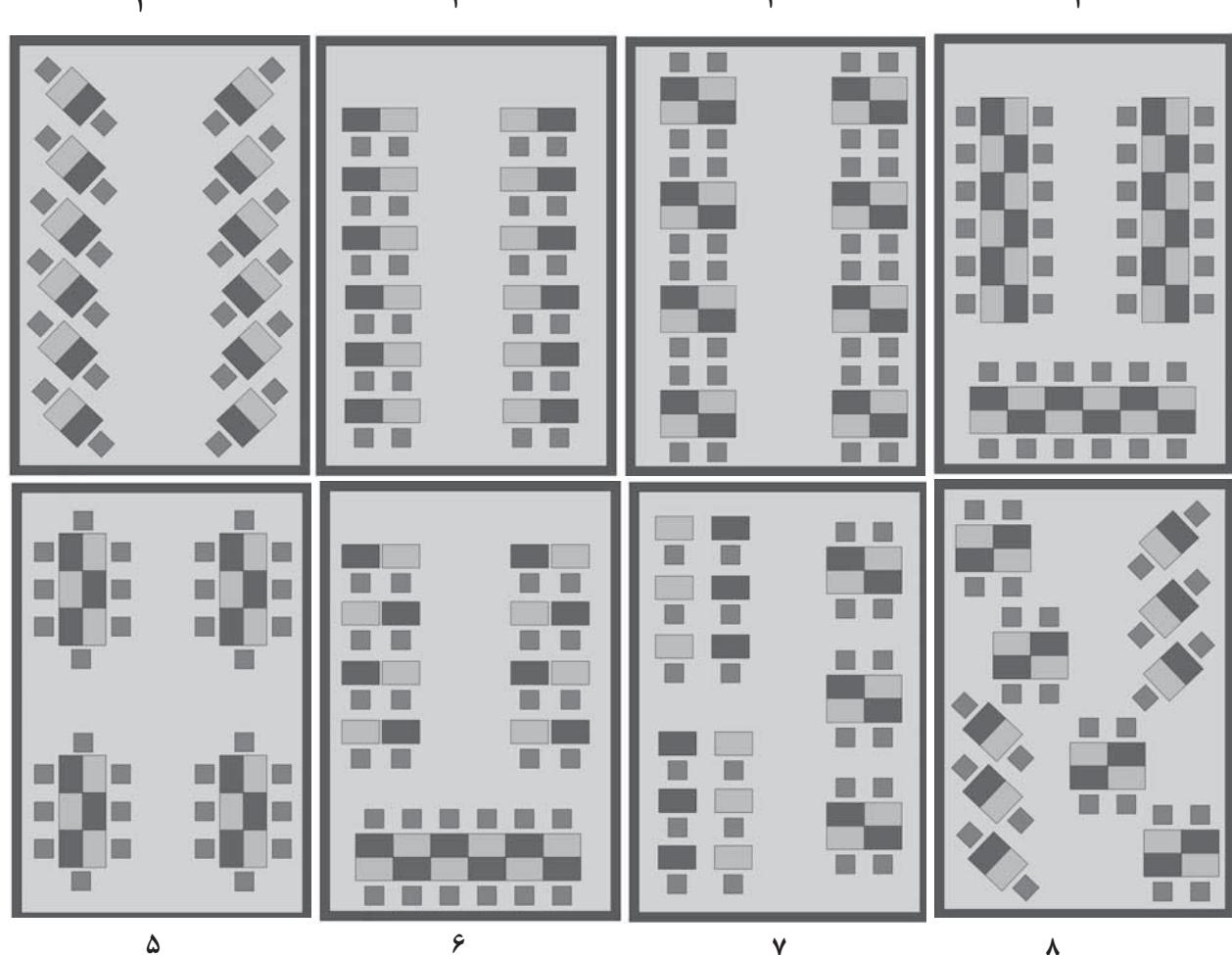


چگونه با تغییر مبلمان در کلاس به روش تدریس خود، رنگ خلاقیت بزنیم؟

در شمارهٔ قبل اشاره شد، معلم خلاق می‌تواند چندین روش تدریس را در کلاس اجرا کند و این نیازمند تغییر مبلمان در کلاس است. ما در این شماره می‌کوشیم که انواع چیدمان کلاس را به صورت بسیار شماتیک و ساده نشان دهیم.

مدل شمارهٔ یک

این مدل که برای همهٔ ما آشناست، چه در مدرسه‌های جدید در حال ساخت و چه در مدرسه‌های قدیم، ارتباط زیادی با معلم محوری دارد. معلم نقش اصلی را به عهده دارد. او به عنوان فرد داناتر یاد می‌دهد و دانش‌آموز فرامی‌گیرد. در این چیدمان، می‌توانیم با استفاده از روش شنیداری، مطالب زیادی به بچه‌ها بیاموزیم و آن‌ها را مانند مهره‌های یکسانی ببینیم که هیچ تفاوتی با هم ندارند. امروزه در دنیاً روش‌های نوین تدریس و مدرسه‌های با معماری جدید، این مدل همیشه



■ میز معلم کجاست؟ معلم دقیقاً در کجا قرار می‌گیرد؟ تخته کلاس در این چیدمان‌ها گم شده است، کدام دیوار برای نصب تخته کلاس مناسب است؟ و بچه‌ها باید به کدام سمت نگاه کنند؟

■ دانش‌آموزان با توانایی‌های خاص (معلومان جسمی و نیمه بینایان و نیمه شنواپان)، در این چیدمان‌ها چه جایگاهی دارند؟ آیا می‌شود آن‌ها را به جای مدرسه‌های استثنایی، در کلاس‌های عادی مدرسه‌ها جای داد؟

■ آیا معلم باید هر بار در کلاس خود این چیدمان‌های متفاوت را ایجاد و کلاس را اداره کند؟ آیا تغییر دادن معلمان کلاس، موجب اتلاف فراوان وقت نمی‌شود؟

■ آیا معلمان خلاق که مخاطب ما در این مقاله‌ها هستند، هر بار موظفانه این چیدمان‌ها را تجربه کنند و آن را در کلاس خود پیاده کنند؟ آیا این چیدمان‌ها فقط مخصوص کلاس درس است؟

دوست داریم نظرات شما را درباره این پرسش‌ها بدانیم. لطفاً با ما در تماس باشید. نوشته‌هایتان را به نشانی رایانمای مجله برای ما بفرستید.

مدل‌های شماره‌های ۵ تا ۸

بعضی مواقع معلم تمایل دارد همه کلاس کار یکسانی انجام ندهند. یعنی در بخشی از کلاس مدل روشن تدریس سeminari، در بخشی از آن کارگروهی دو نفره و در بخشی دیگر، کلاس به گروه بزرگ‌تر تبدیل شود. در این صورت، کلاس از تنوع روش تدریس فراوانی برخوردار است و شادابی زیادی دارد. این چهار مدل آخر، به شما کمک می‌کند روش تدریس خود را مناسب با چیدمان کلاس انتخاب کنید.

در آخر، چند سؤال مطرح می‌کنم که مایلم در مقاله بعدی راجع به آن بیندیشید یا نظرات خود را برای ما بفرستید.

■ چگونه بچه‌های ضعیفتر نسبت به بچه‌های قوی‌تر، در این آرایش‌ها، دیده می‌شوند و چگونه معلم می‌تواند از این چیدمان‌ها به بهترین روش استفاده کند؟

■ انواع هوش (تنوری هوش‌های چندگانه گاردن) و توانمندی‌های دانش‌آموزان در این چیدمان‌ها چه جایگاهی دارند؟

قسمت اول

نقش نظریه انتخاب در توامندسازی معلمان

مل
ل

گزارش: سمانه آزاد



و
پژوهش
دانشگاهی
- چرا تأخیر داشتید؟
- ببخشید! ترافیک بود.

این دو جمله، گفت و گویی آشنایست که سال‌هاست از زبان دوستان، فرزندان و حتی بازیگران فیلم‌ها می‌شنویم و البته گاهی هم خود ما برای پوشاندن کاهله و سهل‌انگاری‌مان از این جمله آشنا استفاده می‌کنیم؛ دروغ آشنایی که هیچ‌کس باور نمی‌کند، اما هم‌چنان قابل حدس ترین پاسخ در برای این پرسش است.

چه می‌شود که ما، به جای پذیرفتن سهل‌انگاری، تنبیه و بی‌دقیقی در تخمین زمان، همه چیز را گردن ترافیک همیشگی خیابان‌های شهر می‌اندازیم؟

لشکر
لشکر

شماره ۲ آبان ۹۰
دوره ۱۷

ما به عنوان معلم و
مربی باید این افراد را به
گونه‌ای آموزش دهیم که
مسئولیت‌پذیر باشند و
واقعیت را انکار نکنند

۲. انکار واقعیت: یعنی واقعیت رانمی‌پذیرند. جالب است که وقتی افراد را در این خط قرار می‌دهیم، هر چه انکار واقعیت عمیق‌تر شود، اختلال هم عمیق‌تر جلوه می‌کند. یعنی هر چه احساس مسئولیت‌پذیری کمتر باشد، انکار واقعیت بیشتر می‌شود و جالب است که وقتی فرد، مسئولیت‌پذیری را آغاز می‌کند، واقعیت را کمتر انکار می‌کند.

گلسر می‌گوید، همهٔ فرایند درمان و تغییرات درمانی و اصلاح‌گری، فرایند تعلیم و تربیت است. پس ما به عنوان معلم و مربی باید این افراد را به گونه‌ای آموزش دهیم که مسئولیت‌پذیر باشند و واقعیت را انکار نکنند. یعنی پذیرش واقعیت آن چنان که هست، و پذیرش مسئولیت رفتارها و پیامد آن‌ها.

صاحبی ادامه داد: «ما حتی در نظریه انتخاب می‌خواهیم بگوییم، کودکی که در خانواده تک‌می‌خورد، اگر در مدرسه یا کلاس، هم کلاسی و یا دوستش را آزار داد، نمی‌توانیم رفتار او را توجیه و مفری برای گریز از مسئولیت او فراهم کنیم. او صدرصد خودش مسئول رفتار خودش است. چرا که طبق تئوری انتخاب، هر رفتاری که از انسان سر می‌زن، رفتاری برنامه‌ریزی شده است. یعنی ابتدا درباره آن فکر کرده‌ایم، نتیجه‌هاش را پیش‌بینی کرده و انجامش داده‌ایم. پس ما صدرصد مسئول تصمیم‌های رفتارهایمان هستیم.»

اگرچه در نظریه انتخاب هر فردی مسئول رفتارهای خود است، اما این به معنی مسئولیت نداشتن نظام در برابر فرد نیست. صاحبی در این باره گفت: «هر فردی از جمله بچه‌ها و داش آموزان، مسئول رفتارهای خودش است، اما نه به آن معنی که نظامی که فرد در آن زندگی می‌کند، مسئول چگونه پرورش دادن کودک نیست. یعنی نظام هم مسئول است.»

از ماست که بر ماست

گاهی در بعضی کلاس‌ها یا خانواده‌ها، بچه‌هایی را می‌بینیم که رفتارهای سخت دارند و اصطلاحاً به هیچ صراطی مستقیم نیستند. به گفتهٔ صاحبی، «براساس نظریه انتخاب، سه‌نم نظام مدرسه و خانواده در این مشکل بسیار بیشتر از سه‌نم خود بچه‌های است. تئوری انتخاب در تعلیم و تربیت، بیشتر بر نظام و تأثیرهای آن تأکید دارد. یعنی اگر در مدرسه و کلاس مشکلاتی مانند نظم و آموزش وجود دارد، گلسر به شدت اعتقاد دارد که فقط ۵ درصد آن از داش آموز و ۹۵ درصد بقیه از نظام است. یعنی ممکن است نظام مسئولیت گریزانه و تحملی باشد.

دمینگ، پدر مدیریت کیفی که مدیریت زبان را متحول کرد، معتقد است اگر در کارخانه‌ای تولید کیفی وجود ندارد، ۵ درصد از عوامل یا کارکنان است و ۹۵

دکتر علی صاحبی، عدم آموزش مسئولیت‌پذیری در آموزه‌های کودکی مان را دلیل اصلی این امر می‌داند: «ما یاد گرفته‌ایم که همیشه توپ را در زمین دیگری بیندازیم، چون پاسخ گویی هزینه دارد و چه بسا ما را دچار مشکل کند.»

دکتر صاحبی، از متخصصان نظریه انتخاب و واقعیت درمانی است؛ نظریه‌ای که ویلیام گلسر در دهه ۱۹۶۰ مطرح کرد.

صاحبی در جلسه‌ای که با حضور چند تن از مسئولان مدارس تهران برگزار گردند، ابتدا به تعریف صحیح و دقیق نظریه انتخاب پرداخت و سپس از تأثیر کاربرد این نظریه در کلاس و توانمندسازی معلم سخن گفت. به کارگیری نظریه انتخاب توسط والدین و معلم، باعث می‌شود کلاس و مدرسه‌ه عنصری از دنیای مطلوب دانش آموز شود.

نظریه انتخاب، دعوت به مسئولیت‌پذیری علی صاحبی در تشریح موضع اصلی نظریه انتخاب گفت: «انتخاب به این معنی نیست که افراد، انتخاب‌هایی نهایتی دارند یا آزادانه می‌توانند هر آن چه رامی خواهند، انجام دهند. بلکه اصل، بنیاد و معنی این نظریه، دعوت به مسئولیت‌پذیری است. یعنی شما باید صدرصد مسئولیت رفتار خود را بپذیرید و هیچ بهانه‌ای هم پذیرفته نیست. به همین دلیل هم بسیاری از منتقدانی که نظریه انتخاب را نقد می‌کنند، آن را نوعی نظریه روان‌شناسی اخلاق مدار می‌دانند که اخلاق در آن جایگاه بالای دارد. طبق این نظریه، مانمی‌توانیم هزینه رفتارهایمان را بر دوش دیگران بگذاریم.»

او «واقعیت درمانی» و تئوری انتخاب را به نوعی مکمل هم دانست و گفت: «گلسر در نخستین کتابش با نام «واقعیت درمانی» که کتابی خطشکن محسوب می‌شود، در مقابل نظریه فروید استاد و گفت: انسان‌های توانند به گذشتۀ خود محکوم نباشند. او در کتابش تأکید کرده که از پشت میز دانشگاه نظریه نساخته، بلکه از عمل و طی فرایند روان‌پژوهشکی خود به نظریه رسیده است.

گلسر در کتابش سوالی اساسی را مطرح می‌کند: بچه‌هایی که رفتارهای دشوار دارند، دائمًا برای معلم مزاحمت ایجاد می‌کنند و درس نمی‌خوانند. کسانی که دچار توهם هستند و به طور کل کسانی که به لحاظ روانی مشکل یا اختلال دارند، واقعاً چه مشکلی دارند؟

خود گلسر در پاسخ به این سوال می‌گوید، این افراد دو مشکل اساسی دارند:

۱. فرار از مسئولیت: همهٔ این افراد مسئولیت گریزنند. از داش آموزی که پرخاشگری اجتماعی و در مدرسه مشکل دارد تا بیمار اسکیزوفرن که ادعاهای عجیب می‌کند، همگی مسئولیت گریزنند. این اولین ویژگی مشترک همهٔ این افراد است.

آن کار چهقدر مؤثر بوده است؟ اگر مؤثر نبوده است، باید علت آن را در خودتان جست و جو کنید.»

گزاره‌های اصلی نظریه انتخاب

«دعوت به مسئولیت‌پذیری، پایه و اساس نظریه انتخاب است. گلسر اعتقاد جدی دارد که مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌گریزی، بخشی از آموزه‌های همیشگی تاریخ بشریت بوده است. در آموزه‌های اولیه کودکی ما، مسئولیت‌پذیری جایی نداشته است و در عوض ما در جامعه کنترل بیرونی بزرگ شده‌ایم؛ یعنی جامعه‌ای که دائمًا رفتارهای قطع کننده ارتباط انسانی در آن وجود دارد؛ رفتارهای کنترل کننده بیرونی و قطع کننده‌هایی که معلمان (کسانی که ما را دوست دارند)، والدین (کسانی که به ما عشق می‌ورزند) و محیط، دائمًا بر ما اعمال کرده‌اند. پس ما یاد گرفته‌ایم که همیشه توپ رادر زمین دیگری بیندازیم، چون پاسخ‌گویی هزینه دارد و چه بسا ما را دچار مشکل کند. به همین دلیل نیز دعوت به مسئولیت‌پذیری، اساس نظریه انتخاب است.»

«صاحبی چهار گزاره اصلی را برای نظریه انتخاب برشمرد که به قول گلسر اگر آن‌ها را در کلاس درس و نظام والدگری به کار بگیریم، کمتر به مشکل بر می‌خوریم: ● هر آن‌چه از انسان سر می‌زند، یک رفتار است: کسی که سؤال می‌پرسد، رفتار انجام داده است. حضور شما در جلسه رفتار است و... صفت‌ها را از رفتار بگیرید و هر عملی را صرفاً یک رفتار بدانید.

● همه رفتارهایی که از ما سر می‌زند، به هدف معطوف است: انسان‌ها آن‌قدر باهوش هستند که در خلأ رفتار نکنند. شاید ما ندانیم دانش‌آموزی که کاری را انجام می‌دهد، چه هدفی دارد، اما قطعاً خودش می‌داند به دنبال چیست و از این رفتارش چه می‌خواهد.

● هدف همه رفتارهای انسان، ارضای یک یا چند نیاز از پنج نیاز اساسی خود او است. البته لزوماً یک رفتار نیاز مرا ارضانمی کند، اما هدف همه رفتارهای من، ارضای یکی از پنج نیاز اساسی‌ام است. نیازهای اساسی انسان عبارت‌اند از: عشق و احساس تعلق، قدرت (به معنای پیشرفت و خودشکوایی)، آزادی (خودمختاری و استقلال)، تفريح و بقا.

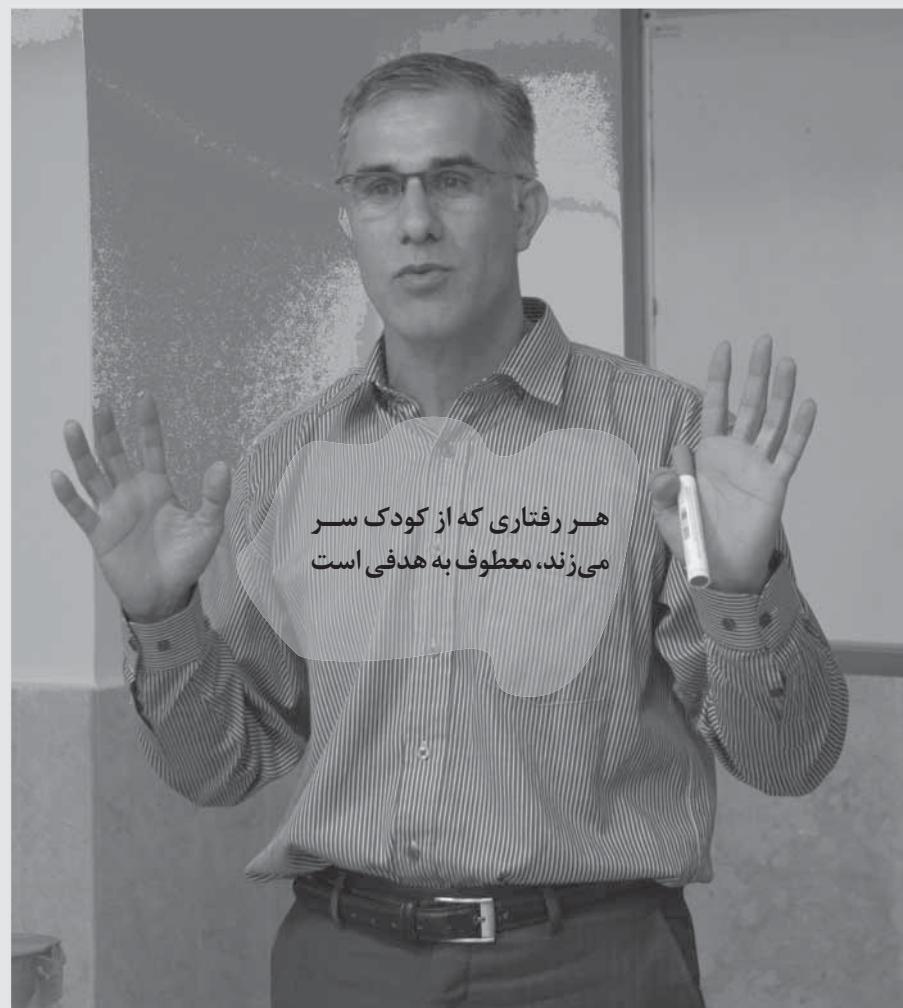
● همه رفتارها انتخابی است: از آن‌جا که همه رفتارها برای ارضای نیاز است، پس همه رفتارها انتخابی است و مسئول آن خود ما هستیم.

گاهی کودک یا دانش‌آموز به رفتار خود توجهی ندارد و تنها به هدفش فکر می‌کند و دنبال خواسته‌اش است. ما به عنوان مشاور، معلم یا درمانگر، باید هدف رفتار را کشف کنیم.»

صاحبی تأکید کرد: «اگر ما مؤلفه‌های نظریه انتخاب را نفهمیم و ندانیم که هر آن‌چه از ما سر می‌زند، یک

درصد از نظام طراحی شده است. دانش‌آموز نیز تولید کیفی مدرسه است که می‌خواهیم خوب بفهمد و رفتار کند و تحصیلش کیفی باشد. یعنی هم خودش از تحصیل لذت ببرد و هم در آینده به کارش بیاید. بنابراین، مدرسه هم باید تولید کیفی داشته باشد.

بنابراین نگاه گلسری و نظریه انتخاب در مورد بچه‌هایی که در مدرسه اصطلاحاً به هیچ صراطی مستقیم نیستند، این است که سهم نظام (مدرسه و خانواده) بیش از خود بچه‌های است. یعنی دانش‌آموز محصول دو نظام مدرسه و خانواده است و فقط ۵ درصد خودش است. پس ما ابتدا با شما به عنوان نظام کار داریم و می‌پرسیم: چه هدفی دارید؟ برای رسیدن به هدفتان چه می‌کنید؟ آیا راهی که در پیش گرفته‌اید، مؤثر بوده است؟ و اگر نه، چه کار دیگری باید انجام داد؟ می‌خواهید دانش‌آموز انتخاب درس بخواند و انصباط را رعایت کنند؟ برای رسیدن به این هدف چه کرده‌اید و



رفتار معطوف به هدف است، ممکن است رفتارهای دانشآموزان را به دیگر مسائل نسبت دهیم. مثلاً فرض کنید بچهای در کلاس پرخاشگر است یا با بچههای دیگر دعوا می‌کند. اگر به نظریه انتخاب و مؤلفه‌های آن اعتقاد نداشته باشیم، می‌گوییم پدر و مادر بچه همواره با هم دعوا دارند و به همین دلیل هم کودک در کلاس با همه دعوا می‌کند و این یعنی کودک مسئول رفتارش نیست؛ در حالی که این گونه نیست.

هر رفتاری که از کودک سر می‌زند، معطوف به هدف است. اگر بچه با کسی دعوا می‌کند، با این رفتار او می‌خواهد یکی یا چند نیاز خود را ارضا کند و به پدر و مادرش ربطی ندارد. اگر والدین کودک برای ارضای نیازهای خودشان رفتار غیرمسئولانه دارند، مسئول رفتار، خودشان هستند. اما این بچه این جامسؤول رفتار خودش است، چون او با رفتارش می‌خواهد به هدفش برسد. حال ممکن است خودش متوجه رفتارش نباشد و رفتاری نامؤثر و غیرمسئولانه داشته باشد، اما او به دنبال ارضای نیاز خود است و (شاید به غلط) فکر می‌کند از این راه می‌تواند نیاز خود را ارضا کند.

گرچه ممکن است کودک در لحظه صدور رفتار به نیازش آگاه نباشد، اما خواسته‌اش را می‌داند. وقتی کودک دوستش را اذیت می‌کند، جامدادی اش را پرت می‌کند یا... می‌داند که چرا این کار را النجام می‌دهد و از این کار چه می‌خواهد. می‌خواهد جلب توجه کند، خشم را نشان دهد یا... پس خواسته‌اش را می‌داند، گرچه ممکن است نیاز زیرینی این خواسته (محبت یا قدرت یا آزادی و...) را نداند، اما ما به عنوان معلمی که با نظریه انتخاب آشنا هستیم، با پرسیدن چند سوال می‌توانیم به نیازش پی ببریم و به او کمک کنیم تا برای ارضای آن نیاز، رفتارهای مؤثرتر و مسئولانه‌ای را انتخاب کند.»

ماشین رفتار با چهار مؤلفه اساسی
صاحبی در ادامه به مؤلفه‌های رفتارهای کلی پرداخت: یعنی هر رفتار از چهار جزء عمل، فکر، فیزیولوژی و احساس تشکیل شده است.

نکته‌ای که پایان دهنده چهار گزاره تئوری انتخاب است، این که همه رفتارهایی که از ماسر می‌زنند، یک رفتار کلی است. منظور از رفتار کلی این است که از جزئیاتی ساخته شده است و این جزئیات عبارت‌اند از چهار مؤلفه که مانند چهار چرخ اتومبیل هم‌زمان و مرتبط با یکدیگر کار می‌کنند: ۱. فکر؛ ۲. اقدام یا عمل؛ ۳. فیزیولوژی؛ ۴. احساس‌ها یا هیجانات.

رفتار کلی را به مثابه «ماشین رفتار» توصیف می‌کنیم. برای ارزیابی رفتار کلی از هر مؤلفه‌ای می‌توانیم استفاده کنیم، اما برای دعوت به مسئولیت‌پذیری و تغییر رفتار، باید از مؤلفه‌های فکر و عمل آغاز کرد؛ یعنی مؤلفه‌هایی

که در اختیار کودک هستند. فکر و عمل مانند چرخ‌های جلوی ماشین هستند که راننده به طور مستقیم به آن‌ها تسلط دارد. فیزیولوژی و احساس نیز به چرخ‌های عقب اتومبیل تشبیه می‌شوند که به طور غیرمستقیم - و از طریق چرخ‌های جلو - در کنترل راننده (یعنی دانشآموز) قرار دارند. به یاد داشته باشید، اولین چرخ جلو، چرخ فکر است که به فرمان (مغز) نزدیک است. یعنی فرد، هر زمان اراده کند، می‌تواند تغییرش دهد.

عمل و فکر به طور مستقیم در دست ماست، اما فیزیولوژی و احساس چنین نیست. با تغییر عمل و فکر، فیزیولوژی و احساس‌مان رانیز تغییر می‌دهیم. پس برای تحلیل و ارزیابی رفتار، از هر چهار مؤلفه می‌توان وارد شد، اما برای تغییر رفتار، باید از عمل و فکر آغاز کرد.

بنابراین آن‌چه به ماشین رفتار هر کسی جهت می‌دهد، چرخ‌های جلو (فکر و عمل) است و مسئول آن،



همان کسی است که رفتار از او سر زده است. این‌ها، بحث اصلی تئوری انتخاب است.

وقتی در کلاس با بچه‌ها صحبت می‌کنیم، نمی‌گوییم تو هر انتخابی می‌توانی بکنی. بلکه می‌گوییم هر چه از تو سر می‌زند، انتخاب تو است، پس مسئول پیامدهایش هم هست.

وقتی می‌خواهیم کسی را به مسئولیت‌پذیری دعوت کنیم، باید ابتداء همه‌این موضوعات را برایش تعریف کنیم و پیامدها را بگوییم. بعد از این که در این موارد توافق کرده‌یم، باید از او بپرسیم «چه می‌خواهی؟ به دنبال چی هستی؟»، «برای رسیدن به آن چه می‌خواهی، هم اکنون چه کار می‌کنی؟»، «آیا کاری که انجام می‌دهی، تو را به آن چه می‌خواهی می‌رساند؟» و اگر نه «چه کار دیگری می‌توانی انجام دهی؟» و «من چه کمکی می‌توانم به تو بکنم؟» این جاست که دانشآموز به سمت استفاده از خلاقیت خود سوق داده می‌شود و نسبت به رفتارهایش احساس مسئولیت می‌کند.

نگاهی به عنصر «مشاهده» در نویسنده‌گی



جعفر ربانی

بعد به توصیف و گزارش بپردازیم.
در نوشتن یا نویسنده‌گی مشاهده، یک عنصر اساسی و بنیادی است. اگر کسی بتواند چیزی را خوب مشاهده کند، قادر به توصیف آن هم خواهد بود. البته مشاهدات افراد مختلف از یک چیز، متفاوت است؛ این را باید به یاد داشته باشیم، اما مشاهده چیست؟ به این سخن آندره ژید، نویسنده شهری فرانسوی خوب دقت کنید که به تنهایی «کلید» است برای مشاهده. او می‌گوید: «عظمت باید در نگاه تو باشد نه در آن چه بدان می‌نگری». دانشمندان بزرگ به ویژه آن‌ها که در زمینه علوم تجربی، در طبیعت یا آرمانیشگاه کار می‌کنند کسانی‌اند که در مشاهده بسیار دقیق‌اند، خواه موجود میکروسکوپی را زیر ذره‌بین ببینند و خواه با دوربین‌های نجومی به مشاهده در اجرام سماوی بپردازند؛ داستان سیب نیوتون را که شنیده‌اید! در نویسنده‌گی هم مشاهده بسیار مهم است. با این تفاوت

اگر بخش اول این سلسله نوشتارها را خوانده باشید، به یادتان می‌آوریم که در آن جا بر چند نکته تأکید کردیم؛ از جمله این که:
— مخاطبان «دعوت به نوشتن» از نظر ما در درجه اول معلمان نویسنده، کتاب‌خوان، روزنامه‌خوان، مجله‌خوان و... هستند.
— در این مجموعه اصول و مقدمات نویسنده‌گی بیان نمی‌شود زیرا به دست آوردن آن‌ها برای شما ساده است؛ اگر بخواهید.

— عزم درست و اراده استوار برای آموزش و پی‌گیری کار تا کسب مهارت گام اول در نوشتن است.

مشاهده

اکنون، در ادامه، باز هم درباره خاطره، تجربه و مشاهده می‌نویسیم و این موضوع را به پایان می‌بریم تا در بخش



عظمت باید در نگاه
تو باشد نه در آن چه
بدان می‌نگری

باشید، مثلاً شخصی سفرنامهٔ حج خود را نوشته است و شما هم به سفر حج رفته‌اید، یا کسی شرح بازدید خود از شهر کهن استانبول (قسطنطینیه) را نوشته است و شما هم آن شهر را دیده‌اید، حالا مقایسه مشاهدات او با مشاهدات شما و تفاوت‌های دو نگاه می‌تواند جالب توجه باشد.

حالا شما!

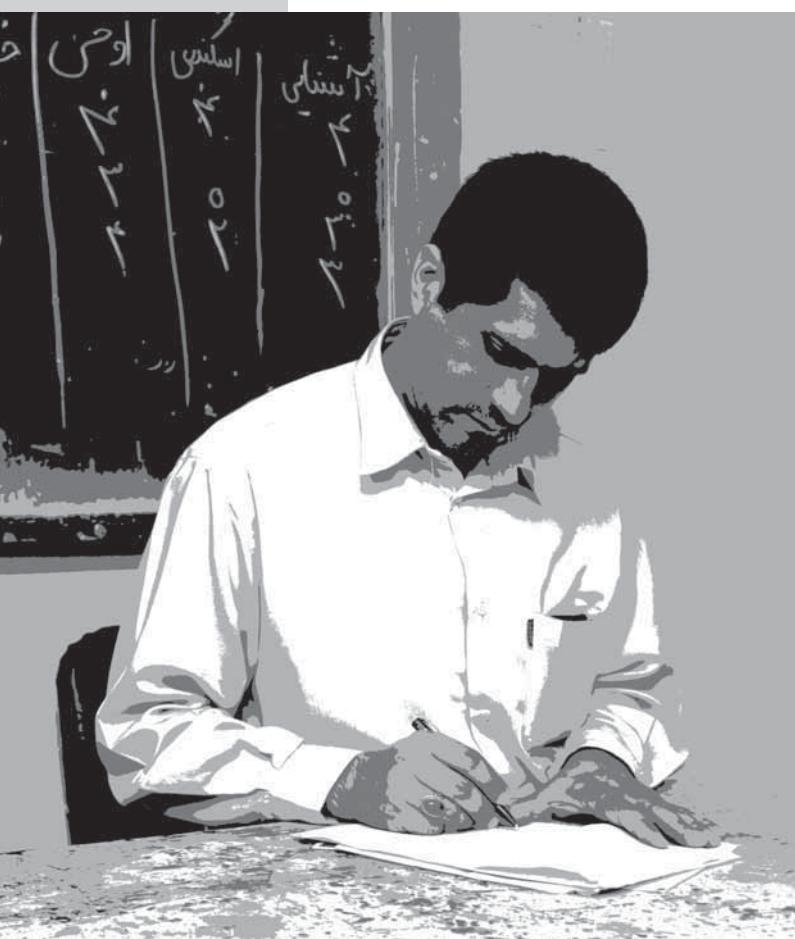
۱. شرح یکی از مشاهدات خود را بنویسید (دیدن یک اثر تاریخی، رفتار یک دانش‌آموز، یک منازعه، یک جشن و...)
۲. اگر معلم انشا هستید (و حتی معلم علوم) دانش‌آموزانتان را به مشاهده پدیده‌ای در داخل یا خارج مدرسه (حتی یک فیلم) ببرید و بگویید هر کدام مشاهده خود را شرح دهن. چند مورد از آن‌ها را با هم مقایسه کنید. و البته برای ما هم بفرستید، با ذکر این عبارت: (دعوت به نوشتن، شماره ۲)

که در اینجا مشاهده با تخیل هم درآمیزد و اثری پدید می‌آورد که اگرچه واقعی نیست اما برای خواننده بسیار واقعی می‌نماید. داستان‌های کوتاه و رمان‌های بزرگ رئالیستی (واقع‌گرا) از همین نوع مشاهده برخاسته‌اند.

مشاهده علمی

شاید شما معلم علوم باشید. پس حتماً می‌دانید که از کارهای خوبی که در دوهه اخیر در تأثیف کتاب‌های جدید علوم ابتدایی و راهنمایی انجام گرفت، بها دادن به مشاهده بچه‌های تا خودشان از طریق دیدن و تجربه کردن به کشف پدیده‌ها نائل آیند (تولید علم). در همین زمینه از شما دعوت می‌کنیم مقاله «دقت علمی» از شادروان دکتر محمود بهزاد را که در همین شماره رشد معلم (آبان ماه) چاپ شده بخوانید تا بدانید مشاهده دقیق از نظر علم تجربی چیست؟

از حرف خود دور نشویم! اگر معلمی بخواهد خاطرات خود را ثبت کند، یک تجربه آموزشی را به تحریر بکشد و یا واقعه‌ای را گزارش کند ناگزیر باید مشاهده‌گر خوبی باشد. مشاهده هم فقط به چشم نیست. چه بسا فردی نابینا باشد و بتواند امری را بهتر از فرد بینا مشاهده کند. شنیدن، گوش دادن، درک عواطف و احساسات خود و دیگران هم در حوزه مشاهده قرار می‌گیرد. فرض کنیم رفتار مدیر مدرسه شما (خوب یا بد) به نوعی است که شما می‌خواهید آن را بیان کنید و نسبت به آن واکنش نشان بدهید؛ یا برنامه امتحانات آخر سال مدرسه شما را، مسئولان، طوری تنظیم کرده‌اند که نه شما و نه همکارانتان از آن رضایت ندارید. در اینجا هم باید شما این دو موضوع را خوب مشاهده (درک) کنید تا بتوانید نظرتان را راجع به آن بنویسید. ضمناً به یاد داشته باشیم که مشاهده امر واحد و ثابت و صلبی نیست؛ به تعداد افراد مشاهده‌گر مشاهده وجود دارد. غرض این‌که، مشاهدات ما همه می‌توانند سوژه‌هایی برای نوشتمن در اختیارمان بگذارند. مهم این است که ما بخواهیم آن‌ها را بر روی کاغذ بیاوریم و دیده‌هایمان را به نوشته تبدیل کنیم. سخن آخر این که برای «مطالعه مشاهده» سفرنامه‌ها از بهترین منابع هستند، زیرا سفرنامه چیزی غیر از مشاهدات «مسافر» نیست (خواندن سفرنامه این‌بطوطه را از دست ندهید) به ویژه سفرنامه‌ای که خودتان می‌توانید با آن مشارکت داشته



نویسنده‌گان: جوزف پی. آلن^۱ – کلودیا ورل آلن^۲
ترجمه: حبیب یوسف‌زاده



خستگی، بی‌قراری و رخوت، از حالت‌های شایع سن نوجوانی‌اند که با کشاندن جنبه‌های بزرگ سالانه زندگی به عرصه فعالیت‌های مدرسه‌ای، قابل رفع هستند

در نگاه اول

ماجرای یکی از شاگردانم به نام ری^۳، در نگاه اول به طور تأسف‌آوری بغرنج به نظر می‌رسید. با این که قبل از نوجوانی کودک با مازه و مشتاقی بود، در دبیرستان نمره‌هایش به شدت افت کرد. هر بار که والدینش به مدرسه فراخوانده می‌شدند، قول می‌داد بهتر شود، اما بی‌فایده بود.

آن‌چه مشکل ری را متفاوت می‌کرد، این بود که بی‌انگیزگی‌اش ربطی به مواد مخدر، نزاع خانوادگی یا دوستی با افراد نایاب نداشت، بلکه به عصر روز تعطیلی مربوط می‌شد که با پدرش مشغول شستن ماشین بودند. ری و پدرش در حالی که ماشین را استعمال می‌کشیدند، درباره مدرسه حرف می‌زدند. ری از سختی درس‌ها در سال سوم راهنمایی نگران بود و پدرش سعی داشت موضوع را برایش روشن کند: «می‌دانم داری فکر می‌کنی امسال تأثیر مهمی در ورود به یک دبیرستان خوب خواهد داشت. ولی نمره‌های دبیرستان هم خیلی مهم‌اند. برای خود من، حتی بعد از دبیرستان، نمره‌هایی که در دانشکده پزشکی گرفتم، تأثیر زیادی در انتخاب شغلمن داشت. پس تو حالحالاها کار داری و امسال فقط قطعه‌ای از یک پازل بزرگ است.»

پدر ری می‌کوشید استدلال کند و منطقی باشد. اما ری متوجه شد که تلاش‌هایش به زودی نتیجه نخواهد داد و تا رسیدن به خواسته‌هایش، باید بیش از ده سال وقت صرف کند. ری آن روز زیاد حرف نزد، اما فکری مثل خوره به جانش افتاده بود: «آیا آن‌چه امشب درباره چارلز کبیر، سینوس و تانیابت یا فیزیک می‌خواند، یک دهه بعد، در زندگی‌اش واقعاً اثر خواهد داشت؟» پاسخ او به این پرسش‌ها، ناخواسته در کارنامه‌اش منعکس می‌شد.

اگر جنبه‌هایی از بزرگ‌سالی را به دوره نوجوانی وارد کنیم، دانش‌آموزانی سرزنش‌تر و پویاتر خواهیم داشت

محدوده مهآلود نوجوانی

ری برخلاف خیلی از همسالانش، قادر بود ریشه مشکلی را که اغلب دانشآموزان با آن روبرو هستند، به روشنی توضیح دهد: مشکلی به نام انتظار بزرگ. فهم این مشکل کار چندان سختی نیست. بسیاری از بزرگترهایی که رژیم غذایی می‌گیرند، با این که می‌دانند عاقبت خوردن کیک شکلاتی را چند هفته بعد روی ترازو مشاهده خواهند کرد، باز هم نمی‌توانند از آن چشم بپوشند. اما مرتباً از بچه‌ها می‌خواهند به سختی تلاش کنند و درس بخوانند، در حالی که می‌دانند این کار به زودی هانججه نخواهد داد.

تأخیر در رسیدن به استقلال اقتصادی و روابط فردی مستقل، از جمله معضلات جامعه‌های امروز هستند که نمونه‌اش را می‌توان در وابستگی بیش از حد دانشجویان به بابا و مامان مشاهده کرد. به این ترتیب، شاید متوجه شده باشیم که در دنیای امروز، حال و هوای نوجوانی تا آخر عمر با آدمها می‌ماند، اما از تبعات زیان‌بار این امر برای نوجوانان غافل‌مانده‌ایم.

تصور کنید صبح زود از خواب بیدار شوید و خودتان را در فضایی وهم‌آلود بیایید و متوجه شوید همسایه شما که یک جراح است، به جای عمل کردن بیماران، دائم به تشریح جسدتها می‌پردازد تا بیشتر تمرين کند. همین‌طور متوجه شوید که حقوق دانها روی پروندهای ساختگی تمرين می‌کنند، لوله‌کش‌ها مشغول تمرين با تأسیسات کاذب هستند و خلبان‌ها و قشتاشان را در اتاق‌های شبیه‌ساز پرواز (سیمیلاتور) می‌گذرانند. در شغل معلمی نیز هر روز در یک کلاس خالی و رو به دوربین درس می‌دهید. واضح است که در چنین شرایطی، معنی و لذت کار از میان خواهد رفت و حس خستگی، بی‌تابی، اندوه و حتی تنبلی، بر شما چیره خواهد شد. پس باید پذیرفت که موقوفیت مدرسه‌ها با وجود شرایط فعلی، مدیون خلاقیت، ابتکار و پشتکار معلمان از یک سو و ایمان راسخ نوجوانان به تضمین بزرگترهای است که مدعی‌اند تلاش آن‌ها روزی نتیجه خواهد داد.

بزرگ‌سالانه تر کردن دوره نوجوانی

اگر متوجه تأثیر این «انتظار بزرگ» روی نوجوانان باشیم، راه حل‌های تازه‌ای برای گشودن بسیاری از مشکلات نوجوانان خواهیم یافت.

انسان‌شناسانی که دوره نوجوانی را در جامعه‌های گوناگون بررسی کرده‌اند، برای راه حل، سرخ‌نمہ‌ی یافته‌اند: «در جامعه‌هایی که نوجوانان رادر امور بزرگ‌سالانه مشارکت می‌دهند، مشکلات شایع دوره نوجوانی از قبیل بی‌قراری، سرکشی و تخلف بسیار کم است. گویا دست‌آویزهایی همچون تأثیر هورمون‌ها و نداشتن بلوغ فکری که گاهی برای توجیه مشکلات نوجوانان به کار می‌روند، در این‌گونه جامعه‌ها تأثیر چندانی بر رفتار نوجوانان ندارند. با تأمل در برایه تجربه‌های این جامعه‌ها و سال‌های نچندان دور جامعه خودمان، چاره کار مشخص می‌شود.

اگر جنبه‌هایی از بزرگ‌سالی را به دوره نوجوانی وارد کنیم، دانشآموزانی سرزنش‌تر و پویا‌تر خواهیم داشت. چه طور باید این کار را بکنیم؟ می‌توانیم با پرسش از خودمان شروع کنیم. چه چیزهایی به ما بزرگ‌ترها انگیزه می‌دهد؟ چه چیزی موجب می‌شود کاری را هر قدر هم که دشوار باشد، با جدیت دنبال کنیم و انجام دهیم؟ پاسخ این پرسش‌ها را می‌توان در چهار کلمه خلاصه کرد: روش کردن ربط درس‌ها با امور زندگی، بازخورد دادن از دنیای واقعی، مسئولیت‌سپاری و احترام گذاشتן.»

مربوط بودن

اولین وظیفه معلمان در هر کلاسی این است که به دانشآموزان بگویند، درسی که می‌خوانند به چه دردشان می‌خورد. گفتن این که فلان درس در نمرة معدلشان تأثیر خواهد داشت، روی اکثر دانشآموزان بی‌تأثیر است، برای این که آن‌ها را واقعاً در گیر موضوع کنیم، باید از همان روز اول نشان دهیم که آن چه امروز یاد می‌گیرند، در دنیای بزرگ‌سالی چه فایده‌ای خواهد داشت.

برای مثال، می‌توان گفت با خواندن درس فیزیک، در آینده مهندس یا دانشمند پژوهشگر خواهید شد. یا با خواندن ادبیات می‌توانید نویسنده یا ویراستار شویید. گاهی هم می‌توان توضیح داد که مهندسان یا ویراستاران فعلی، چه طور از دانسته‌های دوران تحصیل خود بهره می‌برند. معلم تاریخی را سراغ داشتم که وقتی می‌خواست ذهن دانشآموزان را با موضوع دوران بعد از جنگ جهانی اول در گیر کند، از آن‌ها پرسید: «تصور کنید براي شرکت در امتحانات نهایی پایان سال، هفته‌ها را حرمت بکشید و درس بخوانید. در جلسه امتحان هم با پرسش‌های زیاد و بسیار دشوار و پیچیده مواجه شوید. بعد از امتحان چه حالی خواهید داشت؟» دانشآموزان یک صدا جواب دادند: «خسته، کوفته، داغون و...»

علم ادامه داد: «وضعیت ایالات متحده بعد از جنگ جهانی اول دقیقاً همین‌طور بود. اکنون در چنین شرایط بد پس از امتحان، دوست داشتید چه کار کنید؟» یکی از بچه‌ها بلاfacسله جواب داد: «می‌رفتیم مهمانی و خوش‌گذرانی!» بقیه هم حرف‌های او را با جیغ و فریاد تأیید کردند.

علم گفت: «به این ترتیب، می‌توان بیست سال دوران پرالتهاب پس از جنگ جهانی اول را همان مراسم بزن و بکوب مهمانی‌ها فرض کرد. فرض کنید هر شب به مهمانی می‌رفتید و ساعت‌ها بالا و پایین می‌پریدید، خوب بعدهش چه؟»

بچه‌ها جواب دادند: «آخرش کم می‌آوردیم و از حال می‌رفتیم.»

بچه‌ها با این جواب خود حالا می‌توانستند دوره‌ای را که در ایالات متحده منجر به یأس و رکود بزرگ شده بود، به خوبی درک و حس کنند.

بچه‌ها تشنۀ آن هستند که با آنان مانند بزرگ‌ترها رفتار شود

هر چه بیشتر به نوجوانان مسئولیت بدھیم، شاهد رفتارهای مسئولانه‌تری از سوی آن‌ها خواهیم بود

احترام گذاشت

تا این جا تأکید کردیم که باید نوجوانان را بزرگان رو به رشد تلقی کنیم نه بچه‌های گنده. آن‌ها به طور غریزی می‌فهمند که چه موقع به دنیای بزرگ‌سالی سوق داده می‌شوند و چه موقع چنین نمی‌شود. معلمی که شاگردانش را «پسرها» یا «دخترها» خطاب می‌کند، از همان ابتدا نوعی تحقیر را القا می‌کند. در حالی اگر آنان را «آفایان» یا «خانم‌ها» خطاب کند، ناخوداگاه اعتمادیه‌نفسشان را تقویت خواهد کرد.

اگر ترتیبی بهدهیم که دانش‌آموزان نیز در نشست اولیا و مریبان مدرسه شرکت کنند، دیگر شاهد والدینی نخواهیم بود که با دلی پُر راهی منزل می‌شوند و دانش‌آموزانی که با هزار بهانه در آستین، منتظرند تا سر کوفت بشونند و کاستی‌های خود را توجیه کنند. تأثیر ملاقات دانش‌آموزان با والدین و معلمان در محیطی محترمانه، بسیار بیشتر از نشان دادن نمره‌ها به والدین و گرفتن امضا از آنان خواهد بود.

آب برای تشنه‌ها

آن چه گفته شد، چیزی بیش از چند اندرز سطحی نخواهد بود، مگر این که با تمام وجود پیذیریم: نگاه و رفتارمان را نسبت به نوجوانان تغییر دهیم. نباید فکر کنیم یک مشت بچه‌اند که به مدد هورمون‌ها گنده شده‌اند و در نقطه مقابل ما ایستاده‌اند، بلکه باید آن‌ها را مانند بزرگ‌هایی تحت تعلیم بدانیم؛ بزرگ‌هایی حبس شده در قفسی به ابعاد سال‌ها انتظار برای فارغ‌التحصیل شدن، قفسی که از هیچ طرف به میله‌هایش نمی‌رسند.

با این وصف، راههای زیادی وجود دارد که دنیای بزرگ‌سالی را به سال‌های نوجوانی وصل کنیم. یک راه، استفاده از روش‌هایی است که نمونه‌هایش را در این جا مرور کردیم. راه دیگر می‌تواند ایجاد تغییرات عمده در نظام آموزشی باشد. برای مثال، می‌توان امتحانات زود هنگام برای دانش‌آموزان مستعد ترتیب داد تا با اثبات سطح سواد علمی خود و موفقیت در آن‌ها، زودتر از موعد فارغ‌التحصیل شوند.

آری، بچه‌ها تشنه آن هستند که با آنان مانند بزرگ‌ترها رفتار شود و گاهی مثل گل‌هایی پژمرده نیازمند چند جرعه‌ای‌اند تا به زندگی برگردند. کشف روش‌هایی لازم برای این دگرگونی، کار چندان دشواری نیست. کافی است بزرگی آن‌ها را به رسمیت بشناسیم.

پی‌نوشت

- 1.Joseph p. Allen
- 2.Claudia Worrell Allen
- 3.Ray

آن‌ها این نکته بغرنج را یاد گرفتند که بزرگ‌ترها هم ممکن است گاهی مثل خودشان غیرمسئلۀ رفتار کنند و شاید اگر در آن زمان می‌بودند، از این لحظه فرق چندانی با بزرگ‌ترهانمی داشتند. با این قیاس، دانش‌آموزان توانستند بین زندگی واقعی و موضوع درس رابطه برقرار کنند.

باز خورد دادن از دنیای واقعی

ما بزرگ‌ترها عادت داریم درباره کارهای خود بازخوردهای آنی و معنی دار بگیریم. اگر معلمی بدون آمادگی کافی سر کلاس برود، بازخورد آن را به صورت بی‌حوالگی دانش‌آموزان خواهد دید. نوجوانان این قبیل بازخوردها را غالباً از هم‌سالان خود دریافت می‌کنند. پس جای تعجب نیست که نوجوانان در مورد واکنش دوستان به لباس جدیدشان حساس‌ترند تا عکس‌العمل معلم به بی‌توجهی‌شان در کلاس درس.

یک راه حل این است که با امتحانات کوتاه (کوئیز) و پرسش‌های مکرر در حین تدریس، بازخوردهای سریع تری به آن‌ها بدهیم. اما وقتی اندکی بازخورد بزرگ‌سالانه را چاشنی کار می‌کنیم، نوجوانان با تمام وجود آن را جذب می‌کنند.

همکاری را می‌شناسم که در کلاس ادبیات، به کاری جالب و افجعاری دست زد. به شاگردانش اعلام کرد که قرار همکاری دوطرفهای را با یکی از دوستان نویسنده‌اش گذاشته است. در عوض، انجام برخی کارهای ویرایشی برای دوستش، او هم قول داده است گزارش‌های تحقیق دانش‌آموزان را ارزیابی کند. دانش‌آموزان از شنیدن این خبر کنجدکاوی‌شان تحریک شد و حسابی جا خوردند. آن‌ها از این که کارشان توسط یک نویسنده برسی می‌شد، هیجان‌زده شده بودند. تمام سعی خود را کردن‌تا آبروداری کنند و در دنیای بزرگ‌ترها کم نیاورند.

مسئلۀ سپاری

کارهای فوق برنامه می‌تواند تأثیر زیادی در خودبایری و پیشرفت بچه‌ها داشته باشد. زیرا چشم‌اندازی از دنیای بزرگ‌سالی را برای آن‌ها فراهم می‌کند. یک پرستار کودکان در شیرخوارگاه تعریف می‌کرد، روزی دانش‌آموزی که وضع درس‌هایش تعریف چندانی نداشت، داولطبلانه به شیرخوارگاه آمد تا به کودکان کمک کند. پرستار از توانایی او در رسیدگی به کودکان واقعاً شگفت‌زده شده بود.

نوجوانان غالباً دوست دارند با استفاده از چنین فرسته‌هایی، خود را برای بزرگ‌سالی آماده کنند. آنان نیز مانند بزرگ‌سالان از این که به حساب بیایند و مفید و مهم تلقی شوند، لذت می‌برند. با نگرش صحیح می‌توانیم نوجوانان را در بسیاری از فعالیت‌های مدرسه سهیم کنیم و به آنان مسئلۀ سپاری از توانی فضای کلاس گرفته تا نگهداری وسیله‌های ورزشی و آماده‌سازی ابزار مورد نیاز برای تدریس درس‌های گوناگون. هر چه بیشتر به نوجوانان مسئلۀ سپاری بدھیم، شاهد رفتارهای مسئلۀ تری از سوی آن‌ها خواهیم بود.

لندن

لندن مادری خواهی



از ما می‌خواهید در مدیریت مدرسهٔ خلاقانه رفتار کنیم، در حالی که فقط مجریان طرح‌ها شده‌ایم

پژوهش
نگاری
دانشگاه

○ حضور «رشد» در نظام آموزش‌وپرورش به پنج دهه رسیده است. همه از آن خاطره داریم، و هنوز هم رشد جایگاه ویژه خود را دارد. در مورد رشد آموزش راهنمایی تحصیلی باید بگوییم، مطالب پشتونه علمی مناسب دارند و پژوهشی هستند. اما گویی فراموش شده است که در خیلی از مدارس نمی‌توان از آن‌ها به صورت کاربردی بهره برد.

یار قدیمی کتاب‌های درسی است! روزی با عنوان «پیکنامه» به خانه‌ها می‌آمد و امروز «رشد» در آخرین روز فروردین ماه با اعضاٰ شورای مجلهٔ به جمع مدیران ناحیهٔ یک شهری رفته‌ی تا دربارهٔ «رشد» به ویژه «رشد آموزش راهنمایی تحصیلی»، به گفت‌و‌گو بنشینیم. از دوستان خواستیم بی‌رحمانه، اما منصفانه نقد کنند. به حق همین طور شد. نقد خوب و هوشیارانهٔ دوستان هدیهٔ خوبی برای ما بود.

می‌شوند. مسابقه هم می‌تواند این انگیزه را در معلم‌ها ایجاد کند.

● ما معتقدیم، بهتر است لذت یادگیری انتخابی باشد. یکی از اهداف مجله، ایجاد کشش به سوی مطالعه است. ما به دنبال اجبار نیستیم و به حافظه محوری اعتقاد نداریم. یادگیری اصلی باید در بستر جامعه اتفاق بیفتد. ما نمی‌گوییم همه مطالب مجله خوانده شود، چون فقط به عنوان تکمیل کننده برنامه درسی تألیف می‌شوند. آن‌چه که در حیطه قدرت مدیریتی شما و معلم‌هاست، فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای ارائه مجله‌ای خوب و نیز گسترش فرهنگ مطالعه است. سربیرون رشد هر سال حدود پنج سفر استانی دارند تا در این مورد با مخاطبان خود تبادل نظر کنند. ارزش‌بایی نویسنده‌گانی که مطالب مجله را ارائه می‌دهند نیز نباید فراموش شود.

هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو

● موضوع همکاری شما با همکاران آموزش‌وپرورش که مطلب ارائه می‌دهند، در چه چارچوبی است؟

● هیچ چارچوب خاصی وجود ندارد. خودتان را محدود نکنید. ما هر ایده‌نویی را ز شما می‌پذیریم. یاد می‌آید آقای ابوحمره از دبیران تاریخ، یک روز به یاد ماندنی برای بچه‌های دفتر مجله ترتیب دادند. ایشان در شبکه پنج، برنامه‌ای با عنوان «درس تاریخ شیرین می‌شود» ارائه دادند. در جلسه‌ای که خدمت ایشان بودیم، در مورد چند موضوع جالب از نزدیک به گفت‌وگو نشستیم. شاید بگویید از طرف اداره آن‌قدر در مورد ایده‌های جدید بخش نامه می‌رسد که دیگر فرستی برای مدیر مدرسه نمی‌ماند ایده‌هایش را عملی کند. ما می‌گوییم، هر مدیری برای



● مثال می‌زنید؟

● مطالبی که در باره معماری مدرسه ارائه شده، از این جمله است. با مسئولان مدرسه، نمی‌توانیم در طراحی مدرسه نقش مؤثر داشته باشیم.

● همین اندازه که شما با خواندن مطالب مجله می‌پذیرید که معماری مدرسه، معماری مدرسه زندگی نیست، یعنی با اقلیم، فرهنگ، جنسیت و دوره تحصیلی دانش‌آموز هم خوانی ندارد، کافی است. اگر همین مطالبات خود را در قالب مقاله یا درخواست به سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور ارسال کنید، ما را به هدف خود از ارائه موضوع معماری مدرسه در مجله نزدیک کرده‌اید.

کدام را بپذیریم

● راهکارهای مدیریتی که در مجله می‌آید، بی‌شك کارامد هستند، اما گاهی آن قدر در کاغذبازی نظام آموزش‌وپرورش تمرکز هست که دست مدیر و معلم مدرسه بسته می‌شود و ترجیح می‌دهد از به کارگیری آن‌ها منصرف شود. کاش در کنار این‌گونه مطالب، به مسائل حاشیه‌ای آن در مرحله اجرا نیز می‌پرداختید. برای مثال، با توجه به اصول روان‌شناسی دانش‌آموز نباید محور اصلی تشویق‌ها مادی باشد. وقتی به عنوان مدیر یا معلم مدرسه به این اصل مهم می‌پردازیم، بازرس انتقاد می‌کند. کدام را بپذیریم؛ اصول روان‌شناسی دانش‌آموز یا اداره آموزش‌وپرورش را؟!

● بله. متأسفانه این اصل مهم را فراموش کردایم که شما در مدرسه میزبان معلم هستید و اداره آموزش‌وپرورش میزبان شما. تعارض باید به همکاری تبدیل شود نه کنار کشیدن‌ها. اگر مطلب خود را به صورت مقاله‌ای کوتاه عنوان کنید و به دفتر مجله بفرستید، شروع خوبی برای انتقال آن به مسئولان خواهد بود.

● در مجله شما این امکان وجود دارد که هم‌زمان با مسابقات رشد دانش‌آموزی، برای معلم‌ها هم مسابقه طراحی شود. چون وقتی موضوع آموزش ضمن خدمت مطرح می‌شود، همه به یادگیری مطالب جدید متمایل

کدام را بپذیریم؛ اصول روان‌شناسی دانش‌آموز یا اداره آموزش‌وپرورش را





دوم، برای هزینه مجله که برای دانشآموزان مناطق محروم کمی سنتگین است، چاره‌ای کنید.

● مجلات رشد خودگردان هستند. ما خود را کارگزار فرهنگی می‌دانیم و معتقدیم، فرهنگ بهایی دارد که باید در سبد هزینه‌های خانواده مطرح شود. وقتی برای موضوع هزینه می‌کنیم، به معنای آن است که اهمیت دارد. این معادله دوسویه است، یعنی هر موضوعی که اهمیت دارد، می‌توان برایش هزینه کرد. این هزینه برای مجله‌ای پرداخت می‌شود که هیچ مطلب ضدالخلاقی در آن دیده نمی‌شود و مورد اطمینان خانواده‌است.

○ زمان شتنام و اشتراک مجله روزهایی از سال است که

مدیر مدرسه آمار دقیق متقاضیان را ندارد. در واقع باید عدد

نهایی را پیش‌بینی کند. پیش‌بینی یک رقم بالا هم خطرپذیری است.

در طول سال هم فرصت مناسب برای تقاضای جدید پیش نمی‌آید.

● این مسئله در حال بررسی است.

○ به نظر شما ۳۶ میلیون مجله می‌تواند پاسخ‌گوی حدود ۱۵ میلیون معلم و داشت آموز باشد. در واقع شما یک سوم مخاطبان نظام آموزش‌پرورش را تحت پوشش قرار داده‌اید. برای دو سوم دیگر چه تدبیری دارید؟ جاده‌ای که می‌روید، یک طرفه است. شما نیاز معلم و داشت آموز را نمی‌شناسیید. حلقه گشده درین روند چیست؟ وقتی همکاران را به نوشن مشکلات و مطالب علمی خود تشویق می‌کنید، اعتمادسازی هم می‌کنید؟ مبادا موائز کاری شود! سرفصل ارائه کنید تا کسی سردرگم نشود.

● نکته‌ای که مبهم است، خودگردانی مجلات رشد است. اگر وزارت آموزش‌پرورش به اصول سازمان شما اعتقاد دارد، پس

چرا هزینه‌ها را پرداخت نمی‌کند. این نقض غرض نیست؟

○ از ما می‌خواهید در مدیریت مدرسه خلاقانه رفتار کنیم، در حالی که فقط مجریان طرح‌ها شده‌ایم. تصمیمهای شوند و ما باید مصوبه‌ها را اجرا کنیم، حتی اگر هیچ اعتقادی به آن‌ها نداشته باشیم. پس ما در سنگر آخر هستیم!

● از مؤلفان دعوت کنید و مسائل و طرح‌های خود را با آن‌ها عنوان کنید. شما مشکلات معلم و داشت آموز را از نزدیک درک می‌کنید و مسئولان از راه دور، شاید یک تجربه کوچک شما در یکی از موضوع‌های روزانه، ایده‌ای خلاقانه باشد که از نگاه روزمره ما و شما بی‌اهمیت به نظر بیاید.

ارتفاعی سطح فرهنگی مدرسه‌اش، می‌تواند ایده‌ای جدید، مختص مدرسه خودش داشته باشد.

مرکز بررسی آثار
○ اگر موضوع ارائه شده به رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ارتباطی نداشته باشد چه؟

● آن را به مجلة مربوطه در دفتر انتشارات کمک آموزشی ارجاع می‌دهیم. در دفتر قسمتی به نام مرکز بررسی آثار وجود دارد که کارشناسان آن مطالب شما و دانشآموزان را مطالعه می‌کنند. در این مرکز، کارشناسان شعر، قصه و عنوان‌های دیگر، به صورت تخصصی فعالیت دارند. مطالب را بررسی و در صورت لزوم با نویسنده‌گان آن‌ها مکاتبه می‌کنند. چند نویسنده خیلی خوب دفتر به همین روش با مجلات رشد ارتباط برقرار کرده‌اند.

○ معمولاً در اداره آموزش‌پرورش به بچه‌های مستعد تقدیرنامه و جایزه داده می‌شود. پس می‌توان امید داشت که در دفتر انتشارات کمک آموزشی، با آثار دانشآموزی، به صورت کارشناسی برخورد می‌شود.

● دفتر با مراکز فرهنگی مانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و حوزه هنری در تعامل نزدیک است که به همه جانبه شدن دیدگاه کارشناسان و نویسنده‌گان مجله کمک می‌کند.

○ آیا همایش یا نمایشگاهی از آثار دانشآموزانی که به دفتر ارائه شده‌اند داشته‌اید؟

● خیر. پیشنهاد خوبی است.

نظرسنجی

○ بازخورد مجله‌های عمومی و تخصصی چگونه گرفته می‌شود؟ آیا به نیاز مخاطب توجه می‌شود؟

● این فرایند پژوهشی در مرکز مطالعات دفتر صورت می‌گیرد، اما گاهی با ارائه پرسش‌نامه و گاهی با برگزاری جلسات پرسش و پاسخ از نزدیک، مانند این جلسه، با نیاز مخاطب آشنا می‌شویم. مطالبی هم به صورت مکتوب به دست‌ستان می‌رسد. راهنمایی پایگاه اینترنتی مجله هم راهکار خوبی بوده است. انتظار ما این است که مخاطب بی‌تفاوت نباشد و با تلفن، رایانه، نامه یا ملاقات رو در رو در دفتر مجله، ما را با دیدگاه خود آشنا کند.

○ در مدرسه‌ة ما از متن مجلات رشد برای معلم‌ها و دانشآموزان سؤال طرح می‌شود. مطالب جالب و خواندنی را هم روی تابلوی عمومی مدرسه می‌زنیم و بخشی از آن‌ها در مراسم صبح گاهی خوانده می‌شود. شاید شنیدن این مطلب هم جالب باشد که از بچه‌ها می‌خواهیم برداشت خود درباره تصویر روی جلد مجله را در قالب کاریکاتور یا چند جمله کوتاه بیان کنند! بخشی از نمره پژوهشی که کتاب‌خوانی است، به مطالعه مجله رشد اختصاص دارد. این چند مورد را به این خاطر مطرح کردم که فرمودید با طرح مسابقه برای گسترش فرهنگ مطالعه مخالف هستید. ما هم معتقدیم این امر را باید در زیریناها تقویت کرد. دو پیشنهاد هم دارم؛ اول، راه ارتباط با مجله و کارشناسان و نویسنده‌گان آن را هموارتر کنید.

انواع، ویژگی‌ها و فایده‌های آموزشی بازی‌های رایانه‌ای

فرصت‌نمایی بازی

سپیده شهیدی

این نوع بازی‌ها معمولاً بی‌حرکت است و در آن‌ها تفکر صحیح و طرح راهبرد مناسب، بسیار ضروری است.

* **مارپیچی:** بازیکن، شخصیت اصلی بازی را در مسیری پریج و خم طوری حرکت می‌دهد تا به دست دشمنانی که او را تعقیب می‌کنند، نیافتد. این نوع بازی‌ها در حقیقت آموزش نگاه کردن از بالا، طرح راهبرد، مهارت برنامه‌ریزی برای آینده و سرعت واکنش را تقویت می‌کند.

* **ورزشی:** نوعی شبیه‌سازی از ورزش‌های معروف مانند فوتbal و بسکتبال است که به صورت دو بعدی یا سه بعدی عرضه می‌شود. در این بازی‌ها، هماهنگی و طرح راهبرد بسیار مهم است، به خصوص اگر اداره کردن تیم لازم باشد.

* **مسابقه‌ای:** بازیکن در مسابقه‌ای مثل ماشین یا موتوور سواری یا... شرکت می‌کند. در این بازی‌ها، حسن رقابت و تمرکز تقویت می‌شود.

* **ایفای نقشی:** بازیکن نقش شخصیتی تخیلی، مثلاً شهردار شهر را بازی می‌کند. این شخصیت، ویژگی‌های گوناگونی دارد که در طی بازی نمود می‌یابد؛ ویژگی‌هایی مانند تفکر و قدرت تصمیم‌گیری.

* **علمی:** بازیکن در خلال اجرای بازی باید نکاتی را که از قبل در درس‌های گوناگون آموخته است، به کار

بازی‌های رایانه‌ای معمولاً به صورت سی‌دی یا دی‌وی‌دی، دستگاه‌های بازی یا بروخت عرضه می‌شوند. این مقاله، به شما به عنوان معلم کمک می‌کند تا درباره تفاوت انواع بازی‌های رایانه‌ای، ویژگی‌های کلیدی و فایده‌های آموزشی آن‌ها اطلاعاتی به دست آورید.

انواع اصلی بازی‌های رایانه‌ای

* **شلیک‌کردنی:** بازیکن با شلیک صحیح به سمت حریف، برنده می‌شود. این نوع بازی‌ها، بیش از آن که بر طرح راهبرد یا نوعی تدبیراندیشی تأکید کند، بر واکنش سریع و هماهنگی مبتنی است.

* **توب و راکتی:** بازیکن با استفاده از راکت به توب ضربه می‌زند. این دسته از بازی‌ها بیشتر بر تقویت تمرکز و سرعت واکنش بازیکن استوارند.

* **ایستگاهی و ماجراجویانه:** بازیکن، کاراکتر بازی را معمولاً در مسیری افقی حرکت می‌دهد. هر کجا که لازم باشد، راه می‌رود یا می‌برد و از ایستگاهی به ایستگاه دیگر می‌رود. او در هر مرحله باید به صورت‌های گوناگون، امتیاز جمع کند و با دشمنانش بجنگد. اساس این بازی‌ها بیشتر بر هماهنگی چشم و دست است.

* **جدولی:** بازیکن برای جلو رفتن در بازی، باید پازل‌ها، جدول‌ها یا معماهای گوناگونی را حل کند. صفحه اصلی

شکل ۱



شکل ۲



۸. آن لاین: می‌توان بازی را از طریق اینترنت انجام داد.

بندد تا به مرحله‌های بعدی برسد. لازم به ذکر است، تمام گونه‌هایی که در بالا گفته شد، می‌توانند در این دسته قرار گیرند.

چند پایگاه اینترننتی ارائه دهنده بازی‌های آموزشی

○<http://nobelprize.org/educational>

این پایگاه یکی از بهترین ارائه‌دهنگان بازی‌های آموزشی علمی است. موضوع بازی به کار یکی از برنده‌گان جایزه نوبل مربوط است. در صفحه اصلی پایگاه آمده است: «لازم نیست یک نابغه باشید تا کار برنده‌گان جایزه نوبل را درک کنید. انجام این بازی‌ها در حین تفریح، آن را به شما آموزش می‌دهد.»

○<http://www.neok12.com>

در صفحه اول این پایگاه، دسته‌بندی موضوعی درس‌های گوناگون وجود دارد. هم‌چنین، با کلیک روی هر موضوع، علاوه بر بازی‌های مربوط به آن، چند مقاله، عکس و فیلم نیز معرفی می‌شود.

○<http://funschool.kaboose.com/arcade/index.html>

شعار این پایگاه این است که ما یادگیری را به تفریح تبدیل می‌کنیم. برای انتخاب موضوع درسی، باید به منوی سمت چپ مراجعه و روی موضوع مورد نظرتان کلیک کنید. سپس می‌توانید بازی‌های مربوط به طرح درستنان را پیدا کنید. لازم به ذکر است، این پایگاه برای گروه‌های سنی پایین‌تر طراحی شده است.

منابع
1.Digital games in schools; Dr. Patrick Felicia, Department of Computer Science, Waterford Institute of Technology, Ireland; June 2009
2.<http://www.pegi.info/en/index/id/33/>

علامت‌ها و استانداردهای بازی‌های رایانه‌ای

قبل از انتخاب هر نوع بازی رایانه‌ای، ابتدا باید مشخص شود که آیا بازی از لحاظ سن و محتوا برای دانش‌آموzan مناسب است یا خیر. روی بسته‌بندی بعضی از این بازی‌ها، علامت‌هایی مشاهده می‌شود که با توجه به آن‌ها می‌توان بازی مناسب را انتخاب کرد.

○ **علامت‌های مربوط به سن:** اعداد درج شده بر این علامت‌ها، حداقل گروه سنی را که به استفاده از بازی خاصی مجاز هستند، نشان می‌دهند.

شکل ۱

○ **علامت‌های مربوط به محتوا:**

شکل ۲

۱. **خشونت:** در بازی، صحنه‌های همراه با خشونت نمایش داده می‌شود.

۲. **استفاده از الفاظ رکیک:** در گفت‌وگوهای بازی، الفاظ نامناسب به کار رفته است.

۳. **ترس:** بازی ممکن است به خصوص برای بچه‌ها ترسناک باشد.

۴. **محتوا جنسی:** بازی محتواهای جنسی و خلاف شئونات اخلاقی دارد.

۵. **مواد مخدر:** در بازی استفاده از مواد مخدر و الكل، نمایش داده شده است.

۶. **تبعیض نژادی:** محتوای بازی در جهت تبلیغ تبعیض نژادی است.

۷. **شرط‌بندی:** بازی با هدف تبلیغ یا آموزش شرط‌بندی طراحی شده است.

آخری حساب

ترجمه: مصصومه خیرآبادی

چگونه دانش آموزان شلوغ را دوست بداریم؟



با خودم عهد کردم تا
زمانی که معلم هستم،
از پیش‌داوری درباره
دانش آموزانم خودداری کنم

مطمئن بودم که از عهده برخواهم آمد...

در چند سالی که معلم بودم، هیچ وقت چنین دانش آموزی نداشتیم. او تنها یکی از ۳۲ نفری از شاگردان کلاس من بود، اما بیشتر وقت کلاس را به خود اختصاص داده بود. نوجوانی ریزنقش با قد و وزنی کمتر از بقیه هم کلاسی‌هایش. اما آنقدر گستاخ که بتواند همه کلاس‌ها را به هم بریزد، هر فعالیتی را مختل و هر کلامی را قطع کند.

غالباً با سر و وضعی نامرتب به کلاس می‌آمد و رفتارش بدتر از ظاهرش بود. در کلاس با صدای بلند فریاد می‌زد، شوخی می‌کرد و دانش آموزان دیگر را مسخره می‌کرد. زمانی که از او می‌خواستم نظم را رعایت کند، آنقدر مشاجره می‌کرد که مجبور بودم بگویم: «از کلاس بیرون نمی‌کنم» و او با بی‌تفاوتوی می‌گفت: «بیرون نم کن».«

دانش آموزی بود که به هیچ وجه نمی توانستم دوستش داشته باشم، چون مسئول از بین بردن شادی، آرامش و موفقیت کلاس بود. در آرزوهای خود، روزی را تصور می کردم که باید و بگوید قصد دارد به شهر دیگری برود و بعد از آن دیگر در کلاس من حاضر نشود.

هیچ روشی نمی توانست آن نوجوان بی ادب را سر به راه کند. بارها برای او درباره بایدها و نبایدها سخنرانی کرده بودم، اما هیچ استدلالی در او اثر نمی کرد و حتی تهدید هم کارساز نبود. از آن دانش آموز متنفر بودم و می خواستم او را سر جایش بنشانم، اما تنها کاری که از دستم برمی آمد، این بود که به بی احترامی هایش با زیرکی پاسخ بدهم: در تمام آن مدت، احساسی در درون من موج می زد که حالا می دانم «آنتونی» آن را کاملاً درک کرده بود. او به خوبی فهمیده بود که من درباره اش چه طور فکر می کنم.

یک روز هنگامی که در خیابان راندگی می کردم، به طور اتفاقی وی را دیدم. در حالی که دست خواهر کوچکش را در دست داشت، به طرف یک ماشین قدیمی می رفت. آنتونی و خواهرش را تعقیب کرد و متوجه شدم آنها بی خانمان هستند. تا آن موقع، واقعیت زندگی او را نمی دانستم. به صندلی ماشین تکیه دادم و گریستم...

آنتونی با خواهر پنج ساله اش در عقب یک ماشین قدیمی زندگی می کرد. مادرش هم روی صندلی جلو می خوابید. او هیچ وقت پدرش را ندیده بود. خودم را در آن سن با او مقایسه کردم. وقتی هم سن و سال آنتونی بودم، پدرم برایم امکاناتی را فراهم کرده بود که او هیچ کدام را نداشت.

از رفتار خودخواهانه خود شرمنده شده بودم. با خودم عهد کردم تازمانی که معلم هستم، از پیش داوری درباره دانش آموزانم خودداری کنم. برای جبران گذشته، تصمیم گرفتم به او کمک کنم.

نمی دانم آنتونی الان کجاست، اما با وجود لحظه های سختی که در ابتدا با هم داشتیم، بقیه روزهای مدرسه با او موفقیت آمیز بود. جای مناسبی برای زندگی او و خانواده اش پیدا شد و از آن به بعد، شرایط روحی و رفتار آنتونی بهتر شد. از آمدن به مدرسه لذت می برد. من هم توانستم او را دوست داشته باشم.

من از آنتونی و دانش آموزانی چون او آموختم:

- افکار منفی درباره دانش آموزان، هیچ گاه پنهان نمی ماند، بلکه مانند حباب به سطح آب می آید و خودنمایی می کند.
- تنفر یا خشم، توانایی معلم را برای کمک کردن به دانش آموزان بدرفتار از بین می برد و بر مدیریت کلاسی تأثیر منفی می گذارد.
- توجه به مشکلات دانش آموزان و احساس هم دردی با آنها، به زدودن افکار منفی کمک و رابطه دوستانه ایجاد می کند.
- با برخوردهای خشونت بار نمی توانید رفتارهای نامناسب دانش آموزان را اصلاح کنید و به آنها مسئولیت پذیری را بیاموزید.
- دانش آموزان دارای مشکلات خانوادگی و اجتماعی، انتظار دارند مانند بقیه افراد مورد احترام واقع شوند. بنابراین، نباید به گونه ای با آنها رفتار شود که احساس کنند با دیگران تفاوت دارند. حتی توجه بیش از حد هم ممکن است این احساس را در آنها ایجاد کند.
- آنها شدیداً به شما احتیاج دارند، چون ممکن است تنها بزرگ سالی در زندگی شان باشد که قبولشان دارید و می توانند به شما اعتماد کنند.
- به جای فریاد زدن، نصیحت کردن، پیشنهاد دادن و سرزنش کردن، بکوشید روش های دیگری را برای مقابله با این گونه دانش آموزان پیش بگیرید. هر زمان که برایتان مقدور بود، در ایجاد و گسترش روابط دوستانه با آنها تلاش کنید.

منبع

مطلوب حاضر با اندکی تغییر، از مقاله ای با عنوان «[جگونه دانش آموزان تنفرانگیز را دوست بدارید!](#)»، نوشته [مایکل لینسین](#)^۱، بازنویسی شده است. این مقاله از پایگاه اینترنتی [smartclassroommanagement.com](#) برگرفته شده است.
مليسا کلی^۲ نیز تجربه مشابهی در زمینه برخورد با سوء رفتار دانش آموزان دارد که آن را در قالب داستانی با عنوان «[بهترین تجربه معلمی من](#)»^۳ در پایگاه اینترنتی [educators.about.com](#) نقل کرده است.

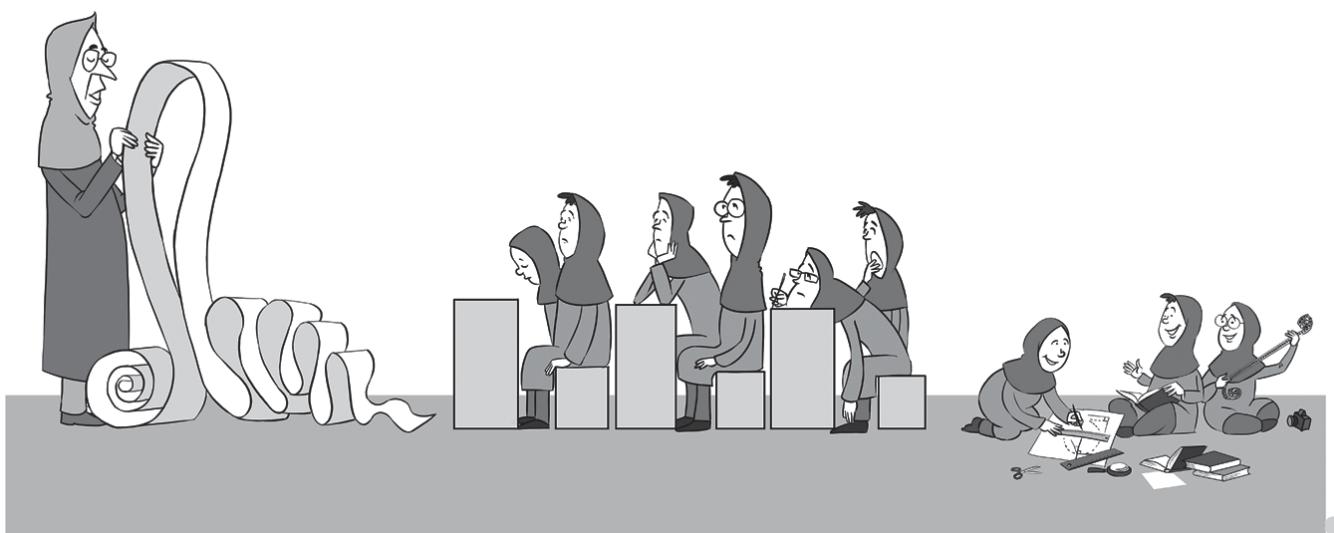
پی نوشت

1. How to love unlikable students (2009)
2. Michael Linsin
3. Mellissa Kelly
3. My best teaching experience

به کوشش: محمد شاکر
مهدی رضاییان



دانش آموزان تنها از طریق فعالیت های
شخصی روی اسپیا، یاد می گیرند.



لذت بردن دانش آموزش یک کلید یادگیری است.



توانایی پرقداری ارتباط و کارگروهی، از کلیدهای آموزش موقّع است.

چ



مردم را تنها از طریق
موقعیت‌های واقعی می‌توان آموزش
داد.



پهتین روش آموزش، آموزش از طریق پارزی و سرگرمی است.

گرداوری: علی اصغر جعفریان

آن وقت است که مطمئنیم به تو احتیاج داریم و
مطمئنیم که تو،
 فقط توبی که کمکمان می‌کنی...
 آن وقت است که تو را صدا می‌کنیم، تو را می‌خواییم.
 آن وقت است که تو را آه می‌کشیم، تو را گریه می‌کنیم،
 تو را نفس می‌کشیم.
 وقتی تو جواب می‌دهی،
 دانه‌دانه اشک‌هایمان را پاک می‌کنی و یکی‌یکی
 غصه‌ها را ز توی دلمان برمی‌داری،
 گرمه تک‌تک بعض‌هایمان را باز می‌کنی و دل
 شکسته‌مان را بند می‌زنی،
 سنگینی‌ها را برمی‌داری و جایش سبکی می‌گذاری
 و راحتی،
 بیشتر از تلاش‌مان خوش‌بختی می‌دهی و بیشتر از
 لب‌ها، لبخند،
 خواب‌هایمان را تعبیر می‌کنی و دعا‌هایمان را مستجاب
 و آرزو‌هایمان را برآورده،
 قهرها را آشتبای می‌کنی و
 سخت‌ها را آسان،
 تلخ‌ها را شیرین می‌کنی و دردها
 را درمان،
 نامیده‌ها، امید می‌شود و سیاه‌ها
 سفید سفید...
 خدایا
 تو را صدا می‌کنیم، تو را
 می‌خواییم
 مهربان

خدایا
 تو را صدا می‌کنیم، تو را می‌خواییم
 مهربان
 وقتی قلب‌هایمان کوچک‌تر از غصه‌هایمان می‌شود
 وقتی نمی‌توانیم اشک‌هایمان را پشت پلک‌هایمان
 مخفی کنیم
 و بعض‌هایمان پشت سر هم می‌شکند،
 وقتی احساس می‌کنیم بدیختی‌ها بیشتر از سهممان
 است و رنج‌ها بیشتر از صبرمان،
 وقتی امیدها ته می‌کشد و انتظارها به سر نمی‌رسد،
 وقتی طلاق‌مان طاق می‌شود و تحملمان تمام...

گرداوری





رشد از دیدگاه اسلام

فیروزوه فلاح، مهسا رضوی، بهاره خلیلزاده

اسلام به عنوان دینی الهی و یک مکتب پیش رو، قبل از روان‌شناسان، برای انسان مراحل رشد و تکامل قائل شده بود؛ مراحلی که او را به هدف خلقتش که همان خداگونه شدن و انسان کامل است، می‌رساند.

آن‌چه در اسلام برای انسان مطرح شده است، در قالب دستورها و سفارش‌هایی است که راه و رسم زندگی را آموزش می‌دهد و انسان را تربیت می‌کند.

مراحل رشد پس از تولد

اسلام دوران رشد را بعد از تولد به سه مرحله تقسیم می‌کند که تا ۲۱ سالگی به طول می‌انجامد. پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «کودک در هفت سال اول سید و آقا؛ در هفت سال دوم مطیع و فرمان‌بردار و در هفت سال سوم وزیر و مشاور است» [حر عاملی، ۱۳۶۷: ۱۵].

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «کودک هفت سال بازی کند، در هفت سال دوم خواندن و نوشتن و در هفت سال سوم حلال و حرام را بیاموزد» [اکلینی، ج ۶: ۴۷]. و هم‌چنین امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: «فرزندت در هفت سال اول همانند ریحان و گل خوشبو است، در هفت سال دوم خدمت‌گزار و مطیع تو و در هفت سال سوم دشمن یا دوست تو باشد» [شرح ابن ابیالحدید، ج ۲۰: ۳۴۳].

از نگاه اسلام، انسان موجودی در حال رشد است. دوران زندگی او مرحله‌های فراوانی دارد. اسلام، آغاز رشد را قبل از تولد می‌داند. چنان‌چه قرآن‌کریم در سوره غافر، آیه ۶۷ می‌فرماید:

«همانا آدمی را از گل خالص آفریدیم. پس آن گاه او را نطفه گرداندیم و در جای استوار قرار دادیم. آن گاه نطفه را علقه و علقه را مضغه و باز آن مضغه را استخوان گردانیدیم. سپس بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم. از آن پس، او را به صورت خلقی دیگر به وجود آوردیم (دمیدن روح). آفرین بر قدرت کامل بهترین آفریننده». اسلام دستورهای فراوان تربیتی در خصوص دوران جنینی انسان دارد که مادران را به رعایت آن‌ها توصیه می‌کند.

دوره سوم: مشورت و وزرات

از ویژگی‌های این دوره، همراهی و مشورت پدر و مادر با فرزند است. در واقع می‌توان گفت، این دوره با مشکلات بلوغ و پذیرش تکلیف و مسئولیت همراه است. نوجوان و جوان می‌تواند در عین حال که دوست آن‌ها در خانواده است، مشاور و دستیار آن‌ها نیز باشد.

در این مرحله لازم است که پدر و مادر شرایط مشارکت فرزندان در تصمیم‌گیری‌ها را فراهم سازند. در غیر این صورت، ممکن است آن‌ها در مقابل خانواده قرار گیرند و با آن مخالفت کنند.

مسئولیت خانواده از نگاه اسلام

از دیدگاه اسلام، پدر و مادر وظایف سنگینی را در تربیت کودک کوکان محسوب می‌شود. فراهم کردن مسلم برای کوکان مناسب، به منظور رشد و آمادگی برای پذیرش نقش‌های اجتماعی آینده، در درجه اول بر عهده خانواده است.

از جمله حقوقی را که اسلام تحت عنوان وظیفه برای خانواده تعریف می‌کند، در فرمایش امام سجاد(ع) می‌توان دید. امام (ع) می‌فرمایند: «حق کودک تو بر تو این است که بدانی وجود او از توتُّت و بد و خوب او در این دنیا به تواریط پیدا می‌کند و باید بدانی که در سرپرستی او مسئولیت داری» [امکارم الاخلاق: ۲۴۳]. و نیز می‌فرمایند: «با فرزندت چنان رفتار کن که اثر نیکوی تربیت تو مایه زیبایی و جدان اجتماعی او شود، یا این که او را چنان تربیت کن که بتواند در کارهای گوناگون زندگی با اعزت و آبرومندی زندگی کند» [همان: ۲۴۳].

اسلام در سراسر دوره کودکی و نوجوانی، سفارش‌های تربیتی بسیاری را مدنظر دارد. از جمله امام رضا(ع) می‌فرمایند: «فرزند خود را به بهترین اسم و کنیه نام‌گذاری کن» [مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۴: ۵۰ و ۵۱]. و پیامبر(ص) می‌فرمودند: «به کوکان خود محبت کنید و نسبت به آن‌ها مهربان باشید و هنگامی که به آن‌ها وعده دادید، به وعده خود عمل کنید» [حر عالمی، ۱۳۶۷، ج ۵: ۱۲۶].

مجموعه سفارش‌های مطرح شده نشان می‌دهد که اسلام، توجه به کوکان و نوجوانان و ایجاد فضای مناسب جهت رشد آن‌ها را نه تنها سفارشی اخلاقی،

با توجه به حدیث‌های روایت شده از سوی معصومان، می‌توان دوران رشد را به سه مرحله هفت ساله تقسیم کرد:

۱. دوره اول سیاست و سروری.
۲. دوره اطاعت و فرمان‌برداری.
۳. دوره مشورت و وزارت.

۱. دوره اول: سیاست و سروری

به نظر می‌رسد، اسلام توجه ویژه‌ای به مرحله‌های رشد به ویژه در دوران کودکی دارد. اطلاق «آقا و سرور» به کوک و تعبیر «گل و ریحان» از او نشان می‌دهد که تا چه حد، دوران کودکی از ظرافت و حساسیت برخوردار است.

دورانی که بازی، محبت، مراقبت از او و آزادی باید همراه شود تا او بتواند رشد جسمی و روحی لازم را به دست آورد.

اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی، نگرشی فوق العاده مترقبی نسبت به کوکان دارد و شرایطی را که برای رشد او مناسب است، در قالب تعالیم دینی مطرح می‌سازد. برای مثال پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «هر کس نزد او کودکی است، در برخورد با او باید کوکانه رفتار کند» [مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۱۴: ۲۳].

دوره دوم: اطاعت و فرمان‌برداری

از ویژگی‌های این دوره، اطاعت، تعلیم و تأدب است. برخلاف دوره قبل که اسلام به آزادی مطلق برای رشد کوک توصیه می‌کند. در این دوره سفارش می‌کند شرایط تعلیم و آموزش برای او فراهم شود. این دوره در ادامه سن کودکی و آغاز نوجوانی است که بهترین فرصت را برای آموزش در اختیار می‌گذارد. چنان‌چه امام صادق(ع) تأکید بر خواندن و نوشتن در هفت سال دوم تأکید دارند و پیامبر(ص) نیز می‌فرمایند: «به فرزندان احترام کنید و با آداب و روش‌های پسندیده با آن‌ها رفتار کنید».

اما در مورد تأدب نیز اسلام شرایطی را مطرح می‌سازد که آن را به فرصتی آموزشی - تربیتی تبدیل می‌کند.

امام علی(ع) می‌فرمایند: «آداب و رسوم زمان خود را با فشار و زور به فرزندان خویش تحمیل نکنید، زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند».

و در خصوص تنبیه می‌فرمایند: «عاقل به وسیله ادب پند می‌پذیرد و این چهار پایان اند که جز با زدن تربیت نمی‌شوند».

نیکویی به کوکان

ابراهیم بن ادhem - رحمه الله
گوید، وهب بن منبه می گفت:
در یکی از کتاب‌ها خواندم که
مؤمنی (ع) گفت: پروردگار،
کدام یک از اعمال را دوست تر
داری؟ خدای فرمود: نیکویی
کردن به کوکان را. زیرا آن‌ها
ثمرة روزی من اند. چون بمی‌یزند
آنان را وارد بهشت می‌سازم

بلکه یک ضرورت تلقی می‌کند، زیرا کودک و نوجوان در شرایطی نیستند که خودشان به تنها یی قادر باشند اوضاع را به نفع خود تغییر دهند.

نوجوان و جوان از دیدگاه اسلام

همان طور که گفته شد، بحث حقوق جوان و نوجوان از دیدگاه اسلام با توصیه‌های اخلاقی توسط پیامبر(ص) و معصومین(ع) آمیخته شده است. از نگاه آن‌ها جوان به عنوان عنصر فعال و حساس در جامعه مطرح است که حقوق و وظایفی دارد و سایرین موظف به رعایت آن هستند.

انس و الفت با جوان

پیامبر(ص) درباره ویژگی‌های روحی و روانی جوان می‌فرمایند: «درباره جوانان به خیر و نیکی سفارش می‌کنم، چرا که قلب آنان رقیق و مهربان است».

امام صادق(ع) می‌فرمایند: «خدا بیامرزد کسی را که به فرزندش در نیکی و نیکوکاری یاری کند». راوی از امام(ع) پرسید چگونه؟ امام(ع) فرمودند: «آن‌چه فرزند در توان داشته و انجام داده است، بپذیرد و از آن‌چه توانایی نداشته است درگذرد و او را به گناه و معصیت و اندارد و با مدارا و برخورد سنجیده با او رفتار کند».

در جای دیگر پیامبر(ص) می‌فرمایند: «رحمت الهی شامل حال بندهای باشد که فرزندش را با نیکی و احسان به او، هم خوشنود با او و آموزش علم و ادب، بر انجام دادن خوبی‌ها یاری کند».

یکی از حقوق جوانان این است که والدین و مریبان با او مأنسوس شوند تا او بتواند مشکلات خود را در سیاست دوستی مطرح کند.

امام علی(ع) می‌فرمایند: «دل‌های مردم وحشی است، پس هر که با آن‌ها الفت گیرد، به سویش روی می‌آورند».

پس دوستی، زمینه طرح مشکلات و حل آن‌ها را فراهم می‌سازد.

مدارا با جوان

مدارا با دیگران از رفتارهای اخلاقی است که در سنت پیامبر(ص) بر آن بسیار تأکید و به خصوص در مورد جوانان سفارش شده است.

پیامبر(ص) می‌فرمایند: «آن‌چه در توان فرزند بوده است قبول کند و از آن‌چه بر او مشکل بوده است، درگذرد و او را به گناه و اندارد و با او مدارا کند». امام علی(ع) فرموده‌اند: «هرگاه جوانی را بازخواست کردي، مقداري از گناهان او را ناديه بگير تا مؤاخذه تو، او را به طغيان و لجاجت و ادار نکند». در جای دیگر می‌فرمایند: «از تکرار عتاب و سرزنش دوری کن، زیرا سبب واداشتن به گناه می‌شود و ملامت را ب اثر می‌کند».

ارزش نهادن به شایستگی‌های جوانان
جوان می‌خواهد که شخصیت و توانمندی‌هایش را ارج‌بند و از توانایی‌هایش غفلت نشود. امام علی(ع) می‌فرمایند: «بزرگی شان مایه فضیلت و شایستگی مایه بزرگی است». به همین دلیل اسلام تأکید می‌کند که به نظر جوانان توجه کنید و با مشورت کردن با آن‌ها، به آن‌ها ارزش بدھيد و مسئولیت پذیرشان کنید. چنان‌چه در حدیث آمده است: «جوان عضوی از خانواده و در مقام وزیر و معاون برای والدین است و تا هفت سال سور، هفت سال دیگر فرمان برو و هفت سال بعد وزیر و معاون است».

جوان و حق نظارت و حفاظت او
از وظایف مهم افراد جامعه اسلامی، توجه به فضای تربیتی او و مراقبت از آن‌هاست. امام صادق(ع) می‌فرمایند: «جوانان را از گمراهان و تندروهای اعتقادی بیم دهید تا آن‌ها را فاسد نکنند». با توجه به آن‌چه که مطرح شد، می‌توان نتیجه گرفت که حق تعلیم و تربیت و تکامل معنوی، از حقوق اولیه و از مصاديق حقوق طبیعی انسان محسوب می‌شود که اسلام به خوبی و به طور جامع بر آن تأکید ورزیده و حقوق فردی- اجتماعی کودک، جوان و نوجوان را در قالب نظام تربیتی مطرح کرده است.

منابع

۱. آداب تعلیم و تعلم در اسلام. شهید ثانی. ترجمه سید محمدباقر حجتی. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. الحدیث(روايات تربیتی)، مرتضی فرید. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. اصول کافی. محمد یعقوب کائینی. ترجمه سید جواد مصطفوی.
۴. بخار الانوار. محمدباقر مجلسی.
۵. تعلیم و تربیت در اسلام. استاد شهید مرتضی مطهری. انتشارات الزهرا.
۶. غرر الحكم و در الکلام. ترجمه محمدعلی انصاری.
۷. نهج البلاغه. نامه امام علی به فرزندش.
۸. وسائل الشیعه. محمد بن الحسن حر عاملی.

در کلاس احترام متقابل

میرمحمد پیغمبری

از طرف دیگر، برای برقراری احترام متقابل در کلاس درس، آن چه باید مد نظر باشد، این است که این دانش آموزان هستند که آموزش داده می شوند، نه دروس. بنابراین، اولین حرکت با معلم است. باید از طرح درس ش خارج و به زندگی دانش آموزش وارد شود. همین که احترام‌دانان را متوجه تک‌تک دانش آموزان می کنید، فرایند احترام متقابل را آغاز می کنید.

اگرچه نزدیک شدن شخصی با تک‌تک دانش آموزان در کلاس درسی با ۳۰ دانش آموز کار آسانی نیست، ولی برقراری تماس چشمی، لبخند زدن و با نام صدا کردن هر یک، به طور مرتباً وقت زیادی نمی گیرد. همین که با هر یک از دانش آموزان ارتباط متقابل برقرار کردید، با نیازهای فردی آنان بهتر آشنا می شوید. وقتی به دنبال راههایی برطرف کردن آن نیازها می گردید، ایجاد تفاهم خواهید کرد و احترام تک‌تک دانش آموزان را جلب می کنید.

تحقيق می کنم

دانش آموزان به طور طبیعی به معلمی که توانایی اش برای تدریس زیاد و در کش از محتوای آن خوب است، احترام می گذارند. ممکن است شما به عنوان معلم همه پاسخ‌ها را ندانید. وقتی نمی دانید، دانش آموزان بزرگ‌تر به اعتراف صادقانه شمام، (نمی دانم)، همراه با تمایل‌تان با ابراز این جمله: «ولی تحقیقی می کنم و درباره آن با تو صحبت می کنم»، ارج می نهند. ضمن این که نشان می دهید به شما هم می توانند آموزش دهند و برای یادگیری از دانش آموزان تن و آمده سازی درستان اشتیاق دارید؛ تواضعی نشان می دهید که برای شما اعتبار به ارمغان می آورد.

محیطی بی همتا
کلاس درس محیطی بی همتاست، چون مردمی مستول ایجاد قابلیت‌هایی در گروهی از افراد است که ممکن است بخواهند در آن محیط باشند یا نباشند. در جامعه مدرن امروز، بسیاری از افراد انتظار دارند بین معلم و دانش آموزان رابطه‌ای قوی ایجاد شود. البته برای این رابطه حدودی وجود دارد و معلمان باید روی مرزی دقیق، به گونه‌ای حرکت کنند که «ارتباطات‌شان» با دانش آموزان از خطوط مشخصی عبور نکند.

احترام متقابل، غالباً با انتظارات مناسب شروع می شود. هر معلمی باید بیان کند که از دانش آموزان چه انتظاری دارد. معلمان وقتی دچار مشکل می شوند که ابتداء خیلی مقابله‌ای رفتار می کنند و ناگهان به رویکرد متضاد آن رو می آورند و به نظر بسیار کم توان می رسانند. علاوه بر این، دانش آموزان ممکن است به معلمی که حرفش با رفتارش کاملاً متفاوت است، احترامی نگذارند. پایداری رفتاری بهترین رویکرد است، هر چند معلم باید بسته به پویایی کلاس، سطح مشخصی از انعطاف را حفظ کند. معلم می تواند با درگیر شدن در گفت و گویی مستمر نیز احترام متقابل ایجاد کند. به طور کلی، معلم باید انتقال دهنده دانش باشد، ولی در عین حال تلاشی هماهنگ برای شناخت دانش آموزش داشته باشد. یکی از مهم‌ترین نکات در ایجاد فرهنگ احترام متقابل این است که دانش آموزان متوجه شوند، احترام متقابل جاده‌ای دوطرفه است.

یکی از مهم‌ترین نکات در ایجاد فرهنگ احترام متقابل این است که دانش آموزان متوجه شوند، احترام متقابل جاده‌ای دوطرفه است

دانش آموزان تمايل دارند به معلمى جذب شوند که اهل برقراری ارتباط و جذاب است. اگر به دانش آموزان ابتدایي درس می دهيد، باید در روش ارائه درس صبر، مهرباني و خلاقيت نشان دهيد. البته ممکن است نتوانيد بگوبيid که احساستان به دانش آموزان احترام است، ولی وقتی کودکان تمايل دارند از دستورالعمل های شما پيروري کنند و اشتياق دارند توجه شما را به خود جلب کنند، محبوبي دلتان می شوند.

دانش آموزان دوره های راهنمایي و متوسطه به معلمى احترام می گذارند که در کلاس آن ها را ساكت نمی کند. همچنان، می خواهند قوانین حاكم بر کلاس را بدانند و يكدفعه با قوانین نادانسته غافل گير شوند. به محض اين که قوانين پايه اى را تعیین کردند، آن ها را به اجرا درآوريد. ناتوانی در دنبال کردن قوانین، منجر به اين خواهد شد که به شما به عنوان معلمی مقتدر، بی اعتنا شوند. اگر می توانيد در کلاس شوخ طبعی کنید، آن هم نقطه قوتی به نفعتان خواهد بود. نوجوانان به سرعت کار تقليدي را تشخيص می دهند. بنابراین، اگر مقداری ناخالصی داشته باشيد، دانش آموزانتان خيلي نظر خوي راجع به شما نخواهند داشت. با دانش آموز نوجوان مانند شخص مسئول رفتار کنيد. هر وقت لازم است قوانين پايه اى را ببيان و به آن تأكيد کنيد. بکوشيد راحت باشيد و نشان دهيد که حتی می دانيد در کلاس، چه طور شوخ طبعی کنيد. به اين روش، به زودی درمی يابيد که احترام اكثرب دانش آموزانتان را جلب کرده ايد.

فرصت ابراز وجود

در همه گروه های سنی، دانش آموزان می خواهند فرصت ابراز خودشان را داشته باشند و صدایشان شنیده شود. معلم از دانش آموزان فعال لذت می برد. همین که شما و دانش آموزانتان در گير تبادل ايند در يك فرایند «به بستاني» می شويد که مستلزم در ميان گذاشتمن افکار، پرسيدن سؤال و گوش دادن به يكديگر است، احترام متقابل رشد خواهد کرد. هم دانش آموز و هم معلم با انتظارات فردی خود به موقعیت جدید کلاس درس وارد می شوند. دانش آموزانتان فرض خواهند کرد که شما به آن ها درس می دهيد و شما از آن ها انتظار داريد در فرایند يادگيری در گير و فعال شوند. وقتی يادگيری واقعی رخ می دهد، معلم و دانش آموزان هم به فرایند ياد شده و هم به يكديگر، احترام خواهند گذاشت.

روش های ايجاد احترام متقابل در کلاس درس

● به کلاس درس با اين قصد وارد شويد که دانش آموزان را آموزش دهيد نه درس ها را.

● درباره برقراری ارتباط با تک تک دانش آموزان و يادگيری اين که چه طور به بهترین شکل نيارهايشان را پاسخ گوبيid، عزم راسخ داشته باشيد.

● اعتماد به نفس و درک خوبی از محتوای درسی تان داشته باشيد.

● مشتاق باشيد که بگوبيid «نمی دانم»، و يادگيرنده باشيد.

● با دانش آموزان ابتدایي، صبور، مهربان و خلاق باشيد.

● با دانش آموزان دوره های راهنمایي و متوسطه مانند زنان و مردان جوان رفتار کنيد. قوانين پايه اى را ببيان و ز آن ها پيروري کنيد. راحت، شوخ طبع و واقعی باشيد.

● فعل بودن در کلاس را در همه سطوح ايجاد کنيد. ايندها و سؤال های جديد را تشویق کنيد.

● شنوندگ (گوش دهنده) خوبی باشيد.

● به خاطر داشته باشيد، درست همان طور که شما خواهان احترام هستيد، دانش آموزانتان هم طالب آن هستند. احترام متقابل از محيط يادگيری مثبت به وجود می آيد. با توجه نشان دادن به دانش آموزان و اشتياق واقعی برای يادگيری آنان، کمک کنيد فرهنگي ايجاد شود که در آن بتوانيد احترام به دست آوريد. در عوض، از دانش آموزان قدردانی و حتى تحسين نصيحتان خواهد شد.

تدریس فقط ارائه برنامه درسی نیست. تدریس يعني فراهم کردن جايي امن برای همه دانش آموزان، ايجاد محطي که دانش آموزان در آن بتوانند حتی برای بخشی از روزشان تلاش کنند و موفق شوند. احترام متقابل باید ايجاد و مراقبت شود و معلم مؤثر باید اين محيط را در همه اوقات تحت کنترل داشته باشد.

احترام متقابل يکی از مهم ترين مفاهيمی است که در پارامتر های کلاس درس مدرسه باید منتقل شود. بدون احترام متقابل، دانش آموزان مسیرشان را گم می کنند. معلم باید سطح احترام را کنترل کند و اين احترام متقابل را ايجاد و پرورش دهد. وظيفه معلم است که محطي ايمان و جالب برای يادگيری فراهم کند.

الگوی رفتارهای مناسب بودن و انتقال پیام های مناسب از طرف معلم، امری الزامي است. از اولين زنگ سال تحصيلي تا زنگ پايانی آخر سال قبل از تعطيلات تابستانی، معلم باید کلاسي مملو از احترام متقابل داشته باشد.

منابع

1. Todd Pheifer (2009), Teaching tips: How to develop a culture of mutual respect in the classroom, <http://www.helium.com/items/1490205-teaching-tips-how-to-develop-a-culture-of-mutual-respect-in-the-classroom>

2. Deborah Bauers (2009), Teaching tips: How to develop a culture of mutual respect in the classroom, <http://www.helium.com/items/1478309-how-can-a-teacher-develop-mutual-respect-in-the-classroom>

سپیده شهیدی

دستی های پر خطر



نوجوانی دوره سنی ۱۲ تا ۱۹ سالگی و دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی است. دوره گذر، مرحله آسیب پذیری و خطر است. نوجوان به سرعت از محركهای محیطی متأثر می‌شود و رفتارهای خطر جویی را النجام می‌دهد. گروه همسالان در دوره نوجوانی از افرادی تشکیل می‌شود که از حیث سن تقویمی و عقلی به هم نزدیک هستند و میان خود وحدتی ناگستینی ایجاد می‌کنند که وضع اجتماعی خاص و روش معینی در زندگی دارد. فشار گروه، فشاری روان شناختی است که خواسته یا ناخواسته از طریق گروه بر اعضا وارد می‌شود تا هنجارها، نگرش‌ها و رفتارهای گروه را پذیرند و به آن پای بند گردند. بسیاری از رفتارهای خطرزای سلامت که علت اصلی مرگ و میر جوانان و بزرگسالان هستند، در طی نوجوانی ایجاد و تقویت می‌شوند. رفتارهای خطرناک همانند استفاده از دخانیات، الکل و سایر مواد، فعالیت‌های جنسی محافظت نشده، رژیم غذایی نامطلوب، نداشتن فعالیت‌های جسمی و رفتارهایی که با آسیب‌ها و خشونت‌های غیرعمدی همراه‌اند، از جمله این رفتارها هستند. تحقیقات نشان می‌دهند، تقریباً ۰۴ درصد موارد اولین مصرف مواد، به دنبال تعارف دوستان رخ می‌دهد. مطالعه طارمیان نشان می‌دهد که ارتباط با دوستان مصرف‌کننده مواد، تأثیرگذارترین و قوی‌ترین عامل خطر پیش‌بینی کننده مصرف مواد در نوجوانی است.

سنینی که بیشترین خطر شروع مصرف سیگار را دارند، به کلاس‌های دوم و سوم راهنمایی مربوط است. در این سن، نوجوان دسترسی بیشتری به مواد دارد و با نوجوانانی که مواد مصرف می‌کنند، مواجه می‌شود. چون مهارت قضاوت و قدرت تصمیم‌گیری نوجوان در حال

رشد است، توانایی آن‌ها نیز در ارزیابی دقیق مخاطرات و تصمیم‌گیری‌های منطقی درباره مصرف مواد محدود است. نوجوانان، جمعیت هدف برای آموزش برنامه‌های پیشرفت سلامت هستند. برنامه‌های آموزشی در زمینه مواد، از اواخر دهه ۱۹۶۰ و آغاز دهه ۱۹۷۰ م اجرا و ارزیابی شده‌اند. یکی از نکات کلیدی بحث مصرف مواد، توجه به مهارت‌هایی

مرد مصالف در همه جا یافت می‌شود در هیچ عرصه مرد تحمل ندیده‌ام صائب

است که افراد را در برخورد با این مشکلات توانمند سازد. مطالعات زیادی نشان داده‌اند که آموزش مهارت‌های زندگی برای پیشگیری و درمان مشکلات بهداشتی مانند مصرف مواد، اثرات رضایت‌بخشی دارد. تحقیقات نشان می‌دهد، با اجرای برنامه‌های مدرسه‌محبوب، میزان مصرف سیگار و مواد کاهش یافته است. مناسب‌ترین شیوه برای ارتقای توانایی‌های روانی اجتماعی کودکان و نوجوانان، دلالت از طریق آموزش مهارت‌های زندگی در محیط آموزشی حمایت‌کننده، یعنی مدرسه است که مهارت نه گفتن یکی از آن‌هاست.

مهارت‌های زندگی

به طور کلی، مهارت‌های زندگی عبارت‌اند از: توانایی‌هایی که به ارتقا بهداشت روانی افراد جامعه، غنای روابط انسانی، افزایش سلامت و رفتارهای سلامتی در سطح آن، منجر می‌شوند. این مهارت‌ها به افراد کمک می‌کنند عمل کنند تا هم خودشان و هم جامعه را از آسیب‌های روانی-اجتماعی حفظ کنند و هم سطح بهداشت روانی خود و جامعه را ارتقا بخشند.

بین جنسیت و میانگین «مهارت نه گفتن» رابطه معنی داری وجود داشت. میانگین «مهارت نه گفتن» در دختران در هر دو گروه، در پیش و پس از آزمون، بیشتر از پسران بود. بین سن و میانگین «مهارت نه گفتن» رابطه معنی دار معکوسی وجود داشت، به طوری که با افزایش سن، میانگین «مهارت نه گفتن» کاهش یافته بود. **شییر** و همکاران در بررسی تفاوت‌های جنسی درباره «مهارت نه گفتن»، نشان دادند که پسران نسبت به دختران «مهارت نه گفتن» کمتری دارند که با نتیجه این مطالعه نیز هم‌سو است.

نیکلز (۲۰۰۶) در مطالعه دیگری درباره بررسی تفاوت جنسی در پرخاشگری و بزه‌کاری در نوجوانان مدارس راهنمایی نشان داد که رفتارهای بزه‌کارانه و پرخاشگرانه به طور معنی داری در دختران کمتر از پسران است.

بوتین و همکاران (۱۹۸۰) در مطالعه دیگری با بررسی پیشگیری از شروع سیگارکشیدن با آموزش‌های مهارت‌های زندگی در دانش‌آموزان کلاس‌های هشتم، نهم و دهم در مدارس حومه نیویورک نشان دادند، نیاز

به پذیرش در گروه، در دانش‌آموزان کلاس‌های هشتم و نهم کاهش معنی داری نسبت به دانش‌آموزان کلاس دهم داشت. به عبارت دیگر با افزایش سن، احتمال قبول فشار در گروه افزایش می‌یابد که با نتایج این مطالعه (با افزایش سن، میانگین «مهارت نه گفتن» کاهش یافته است) همسو است.

دختران با عامل حمایت‌کننده خانواده، تحت تأثیر قرار می‌گیرند، در حالی که در پسران، عوامل اجتماعی و محیطی مؤثرتر است. به همین دلیل، عزت‌نفس در دختران تقریباً به روابط مثبت با والدین مرتبط است. این امر می‌تواند عامل حمایتی برای مقاومت در برابر فشار گروه در دختران باشد. دختران دوست دارند نگرش‌های درست و خودکارایی مثبت را گزارش کنند که خود می‌تواند دلیلی برای میانگین نمرات بالای دختران در این آزمون باشد. **ضیاء الدینی (۱۳۸۵)** «وجود ارتباط خانوادگی سالم و آموزش مهارت‌های زندگی را، در ردکردن تعارف مواد مخدر از طریق دوستان کمک‌کننده می‌داند» [عزت اغاجری، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۹].

چرا نه؟!

چرا باید گاهی نه بگوییم؟ آیا نه گفتن یک مهارت است؟ چگونه می‌توان این مهارت را یاد گرفت؟ این‌ها سؤالاتی هستند که شاید برای برخی از شما هم مطرح شده باشند. از آن جا که زندگی اجتماعی نیازمند رعایت مواردی است که هم به حقوق دیگران و هم به حقوق فرد باید توجه شود، «مهارت نه گفتن» یکی از لازمه‌های آرامش فرد در زندگی شخصی و اجتماعی اش است. هر فرد، برای خود، افکار، ایده‌ها و اهدافی دارد و یک شیوه زندگی را انتخاب کرده است. انسان، اراده، اختیار و آگاهی دارد و براساس اراده خود می‌تواند تصمیم‌هایی برای زندگی اش داشته باشد. این تصمیم‌ها شامل موارد بسیار جزئی تاموارد بزرگ و پراهمیت می‌شود. آن‌چه که به عنوان مانعی فرد را از عملی ساختن تصمیم‌های خود بازدارد، باید به نحوی از گذر مسیر او برداشته شود. برای چنین اقدامی، قاطعیت، قدرت و به عبارتی، مهارت‌هایی چون نه گفتن مورد نیاز است.

کودکان در سنین خاصی ویژگی‌هایی دارند که اندکی از ویژگی‌های آن‌ها با سال‌های دیگر زندگی متفاوت است. در حدود سنین چهار یا پنج سالگی، تمایل به استقلال بیشتری دارند. مقابل خواسته‌های دیگران مخالفت و به عبارتی با والدین لج‌بازی می‌کنند. این دوره سنی، به سن نه گفتن معروف است. به طوری که رفتار معکوس به

چه عکس‌العملی باید داشته باشد؟ در چنین مواردی، معمولاً نیاز به مهارت نه گفتن احساس می‌شود.

در چه مواردی نه می‌گوییم؟

آیا در همه موارد باید از این مهارت استفاده کرد؟ آیا همیشه باید مقابله خواسته‌های دیگران مقاومت کرد و جواب رد به آن‌ها داد؟ باید روی موارد و موضوعاتی که نه گفتن در آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد، طبقه‌بندی مناسبی داشته باشیم. زمانی که پذیرفتن درخواست‌ها، برای فرد خطرها و مشکل‌های جدی در پی دارد، لازم است فرد با قاطعیت رفتار کند. از این‌رو لازم است گام‌های «مهارت نه گفتن» را به دانش آموزان بیاموزیم:



گام ۱. در مهارت نه گفتن، ابتدا تصمیم بگیرید که آیا دادن پاسخ مثبت به درخواست مورد نظر، به نفع شما هست یا خیر. به عبارت دیگر، پیامد کوتاه و بلند مدت درخواست را بررسی کنید.

گام ۲. علت تصمیم یا خواسته و احساسات را بگویید.

گام ۳. به طرف مقابل نشان دهید که نظر و خواسته یا احساس او را درک کرده‌اید.

موقعیت یکی از هم‌کلاسی‌ها ز دانش آموزی می‌خواهد کتابش را به او قرض دهد؛ در حالی که خودش به آن کتاب نیاز دارد. **پاسخ غیرجرئتمندانه:** (با احساس ناراحتی) باش؛ حالا که می‌خواهی، کتابم را می‌دهم.

پاسخ جرئتمندانه: نه، نمی‌توانم کتابم را به تو قرض بدهم. (گام ۱)

خودم به آن نیاز دارم. (گام ۲)

البته می‌دانم که تو واقعاً به آن نیاز داری. (گام ۳)

نحوی در اکثر عملکردهای کودک دیده می‌شود و او به نحوی می‌خواهد خلاف خواسته والدین عمل کند. این ویژگی‌ها به طور طبیعی در این سنین آغاز می‌شوند و می‌توان گفت، تمرین‌هایی اولیه برای پیداکردن مهارت‌های مرتبط در سنین بزرگ‌سالی هستند. مشابه این حالت راما باری دیگر در دوره نوجوانی مشاهده می‌کنیم. در این دوره سنی نیز فرد به ویژه نسبت به خواسته‌های والدین حالت عناد و منفی کاری می‌گیرد و تلاش می‌کند بیشتر مطابق با خواسته‌ها و نظرات خود عمل کند. این کار روشی برای نشان دادن حس استقلال در نوجوان است. با وجود این که این دوره‌های عناوan دوره‌های اختصاصی نه گفتن معروف‌اند، اما یادگیری نه گفتن در هر سنی امکان‌پذیر است.

انواع نه گفتن

اگر بخواهیم انواع مواردی را که در آن‌ها ناچار به استفاده از این مهارت هستیم، دسته‌بندی کنیم، به دو طبقه کلی می‌رسیم؛ نه گفتن به خود و نه گفتن به دیگران.

نه گفتن به خود

هر فرد برای خود اهدافی در نظر دارد و بر این اساس تصمیماتی می‌گیرد. برای عملی ساختن آن‌ها لازم است با هر آن‌چه که در ارتباط با خود، مانع از انجام دادن تصمیم‌هایش می‌شود، مبارزه کند. در چنین حالتی، فرد باید به خواسته‌هایش نه بگوید تا بتواند به اهدافش برسد. فردی را تصور کنید که تصمیم گرفته است با اجرای رژیم غذایی مناسب، وزن خود را کاهش دهد. کم کردن وزن، هدف اساسی اوست که برای رسیدن به آن باید از برخی رفتارهای خوردن دست بردارد. مثلًا از خوردن انواع شیرینی خودداری کند. زمانی که فرد مقابل وسوسه خوردن یک تکه شیرینی خوش‌مزه مقاومت می‌کند، در واقع به خواسته‌هایش جواب نه می‌دهد؛ خواسته‌هایی که با خواسته‌های اساسی تراو منافات دارند.

نه گفتن به دیگران

زمانی که خواسته‌ها و تمایلات فرد با خواسته‌های دیگران منافات پیدا می‌کند، فردی که تمایلات و خواسته‌های خود را ترجیح می‌دهد، ناچار است مقابل خواسته‌های دیگران مقاومت کند. چگونه می‌تواند این کار را انجام دهد؟ دانش آموزی را تصور کنید که کتاب درسی خود را برای مطالعه لازم دارد. مقابل درخواست دوستش که کتاب او را شب امتحان به امانت می‌خواهد،

چون جامهٔ چرمین شمرم صحبت نادان
زیرا که گران باشد و تن گرم ندارد
از صحبت نادان بترت نیز بگوییم
خویشی که توانگر شد و آزم ندارد
ابن یمین فریومدی

نادرست، می‌تواند این ارتباط را به خطر بیندازد. به کارگیری نکاتی هنگام نه گفتن، باعث می‌شود به روابطمان لطمہ کمتری وارد شود.

۱. ارزش وقت خود را بدانید و اولویت‌های خود را بشناسیید. تعهدات خود را بشناسید و بدانید که وقت شما بسیار گران بهاست. بنابراین، وقتی کسی از شما می‌خواهد وقتتان را به یک کار جدید اختصاص دهید، از آن جا که می‌دانید باید زمانی را برای آن بگذارید و این کار هم چندان راحت نیست، به او بگویید که فعلانم توانید.

۲. تمرين کنید که نه بگویید. نه گفتن در هر زمانی که می‌توانید، باعث می‌شود که راحت‌تر از این کلمه استفاده کنید و گاه تکرار این کلمه، تنها راه برای انتقال پیام به آن‌هایی است که مدام از شما خواسته‌هایی دارند. هنگامی که اصرار می‌کنند، شما به نه گفتن ادامه دهید؛ سرانجام پیام را دریافت خواهند کرد.

۳. عذرخواهی نکنید. یک راه معمول برای شروع مخالفت با یک درخواست، این است که می‌گوییم «خیلی متأسفم، اما...». زیرا همه فکر می‌کنند این شیوه مؤذانه‌تر است. هر چند رعایت ادب بسیار ضروری است، اما این نوع شروع کردن، ضعف شمارانشان می‌دد. باید محکم باشید و برای این که خواسته‌هایتان براحتیان مهم است، معذرت نخواهید.

۴. خوب بودن را بس کنید. همان‌طور که گفته شد، رعایت ادب بسیار مهم است، اما خوب بودن با مدام بله گفتن، به شما آسیب خواهد زد. وقتی شما به آسانی به همه درخواست‌ها پاسخ مثبت می‌دهید، مردم به این رویه ادامه خواهند داد. اما اگر شما راهشان را سد کنید، آن‌ها به دنبال افراد هدف آسان‌تری خواهند رفت.

۵. سریع پاسخ ندهید. به جای دادن یک پاسخ دقیق و مشخص، بهتر است به فرد تقاضاکننده بگویید به خواسته‌اش فکر می‌کنید و خبر می‌دهید. این به شما اجازه می‌دهد که بیشتر فکر کنید و تعهدات و اولویت‌های خود را بررسی کنید. سپس اگر نمی‌توانید آن تقاضا را برآورده کنید، به سادگی بگویید که پس از فکر و بررسی به این نتیجه رسیدید که فعلانم قادر به انجام درخواستش نیستید. در این حالت، حداقل آن خواسته را بررسی کرده‌اید.

منابع

۱. افزایش مهارت جرئت‌مندی. مژگان درویش‌محمدی. مجله رشد مشاور مدرسه. پاییز ۸۹ شماره ۱.

۲. تأثیر دخالت‌های مدرسه‌محور بر مهارت نه گفتن در دانش‌آموزان دوره راهنمایی. پروانه عزت‌آغاجری. مجله پرستاری و مامایی تبریز. تابستان ۸۹ شماره ۱۸.

3. www.sharghnewspaper.com

4. http://www.lifehack.org/articles/communication/the-gentle-art-of-saying-no.html

از دانش‌آموزان بخواهید موقعیت‌هایی را که نه گفتن برایشان دشوار است، شناسایی و گام‌های یاد شده را تمرین کنند. بعد از شناسایی موقعیت‌های دشوار، آن‌ها می‌توانند به روش ایفای نقش عمل کنند. به آنان آموزش دهید که در رابطه خود با دیگران و بیان احساس و افکارشان، از پیام‌های سه بخشی استفاده کنند:

بخش ۱. رفتار یا عملی را که به تعارض با نراحتی شما منجر شده است، بیان کنید. مثال: «چند بار تو بدون اجازه سراغ میز کتاب‌های من رفتی؟»

بخش ۲. به فرد مقابل بگویید که رفتار خاص او چه احساسی در شما ایجاد کرده است. مثال: «این منو نراحت می‌کنه.»

بخش ۳. اثر آن رفتار را بر عملکرد و برنامه‌هایتان بگویید. مثال: «چون آن وقت احساس می‌کنم که روی دوستی ما اثر بدی می‌گذاره.»

به دانش‌آموزان بیاموزید که برای بیان خواسته‌های خود، ابتدا شرایط خویش را توصیف کنند. مثال: «من فردا امتحان دارم و باید در اتاق ساكت درس بخوانم. میشه منو در اتاق تنها بگذاری؟»

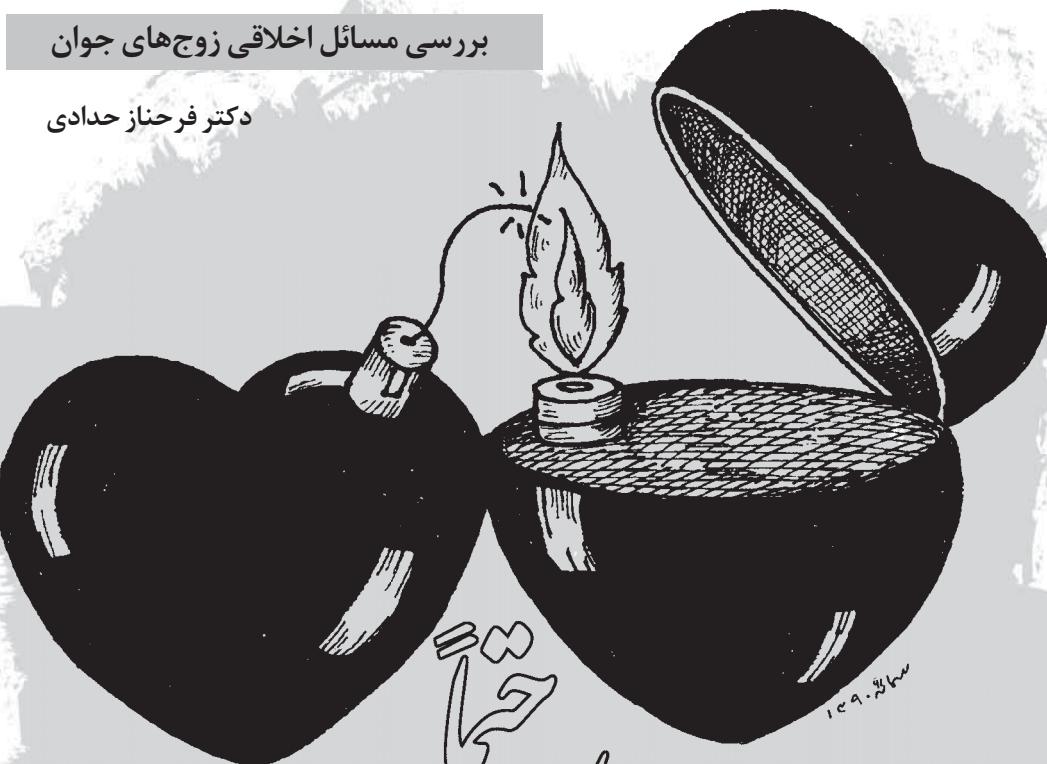
هم‌چنین به آن‌ها بیاموزید، در موقعیت‌هایی که نمی‌توانند به طور مستقیم نه بگویند، از شیوه‌های غیرمستقیم استفاده کنند. این شیوه‌ها عبارت‌انداز: گفتن مسائل همان‌گونه که هست: (نه ممنونم، دوست ندارم)، بهانه آوردن: (نه ممنونم، عجله دارم باید بروم)، طفره رفت: (نه ممنونم، حالانه شاید بعد؛ عوض کردن موضوع: (نه بگویید و سپس از موضوع دیگری حرف بزنید)؛ تکرار کردن: (نه خیلی ممنونم، نه، اصلاً علاوه‌های ندارم)؛ دور شدن: (بگویید نه و بروید)؛ اجتناب از موقعیت: (به موقعیتی که احتمال دارد چنین درخواست‌هایی از شما بشود، وارد نشوید).

اما چه چیزی باعث می‌شود که نه گفتن تا این اندازه سخت باشد؟ اولاً شخصی که به او نه می‌گوییم، ممکن است آزرده، عصبانی یا نالمید شود و این معمولاً برایمان خواشایند نیست. دوم این که اگر قرار باشد ما در آینده هم با این فرد سرروکار داشته باشیم، قطعاً می‌خواهیم ارتباط خوبی را با او ادامه دهیم و یک بار «نه گفتن»، به شیوه‌ای

دکتر فرحناز حدادی

میراث کوشنده‌ها

سالنامه ۱۹۹۷



گلستان در راهرو به آرامی دست خانم فروغ را گرفت و به سمت دفتر خود برد. پس از لحظاتی که به کندی و سنگینی سیری می‌شد، بعض خانم فروغ ترکید و اشک از چشم‌اش جاری شد.

پس از صحبت‌هایی که با مدیر صمیمی و دوست داشتنی مدرسه داشت، آرامشی نسبی به دست آورد و به کلاس درس رفت. حال، خانم گلستان مانده بود و توده ابری که عشق خانم فروغ پشت آن پنهان شده بود؛ ابری از دل‌زدگی و بیزاری و نارضایتی.

تعارضات زناشویی

خانم گلستان براساس تجربه زندگی زناشویی خود، به خوبی می‌دانست که ماهها و سال‌های اول ازدواج از مقاطع مهم در چرخه زندگی خانواده است که در آن سطح تعارض و اختلافات افزایش می‌یابد و افزایش بروز تعارضات زناشویی در این مقطع از زندگی، از آن روست که زوجین جوان، مهارت تغییر الگوهای رفتاری و قواعد و انتظارات برگرفته از روابط قبلی، خصوصاً خانواده پایه و تشکیل یک واحد زناشویی جدید را ندارند.

صحبت‌ها و سوالات خانم فروغ، ذهن خانم گلستان را به

فروغ آرام

مهم‌ترین نکته در ازدواج و تشکیل خانواده، آرامشی است که فرد به دست می‌آورد. این عبارتی بود که بارها و بارها خانم فروغ، دبیر درس حرفه‌ون مدرسه راهنمایی دانش، در جمیع همکاران خود در مدرسه مطرح کرده بود. چند ماهی بود که به جمع متأهلان پیوسته و یا یکی از آشنايان ازدواج کرده بود، ازدواجي که شادمانی خودش و سایر کارکنان مدرسه را به دنبال داشت.

اما این شور و شادمانی دیری نپایید. پس از مدتی، رضایت جای خود را به نارضایتی داد. دیگر در نگاه خانم فروغ آن شعف و امید همیشگی به چشم نمی‌خورد. این مسئله از چشم تیزبین مدیر مدرسه، خانم گلستان، دور نماند. بهوضوح احساس خشم را در کلام و رفتار خانم فروغ مشاهده می‌کرد. بنابراین، به دنبال فرصتی برای گفت‌و‌گو با خانم فروغ بود، تا این‌که...

روز دوشنبه با نیم ساعت تأخیر با چهره‌ای که حکایت از درماندگی و کلافگی داشت، در دفتر مدرسه حاضر شد. دفتر حضور و غیاب را امضا کرد، بالای امضای خود، عبارت نیم ساعت تأخیر را درج کرد و به سرعت از دفتر خارج شد. خانم

خود مشغول کرده بود: «چرا علاوه‌ای که می‌توانست به اوج برسد، نزول پیدا کرده است؟ چرا امروز بر سر هیچ توافق نداریم؟ چرا از شیفتگی به بیزاری رسیدیم؟ چرا کارمان به ملامت و کسالت رسیده؟ و...»

اکنون خانم گلستان کمک به همکار خود را از اولویت‌های شغلی آن روز خود می‌دانست. ساعتی بعد به یاد دوست هم‌دانشگاهی‌اش افتاد که اکنون در دوره دکترای روان‌شناسی مشغول به تحصیل بود. پیامکی برایش فرستاد و منتظر جواب ماند. جواب این بود: «ساعت چهار بعدازظهر منزلم، تماس بگیر و سوالات خود را مطرح کن.»

زنگ سوم مدرسه به پایان رسید. خانم فروغ با خستگی که در چهره‌اش بهوضوح نمایان بود، از خانم گلستان خداحفاظی کرد. خانم گلستان به آرامی دستی بر شانه خانم فروغ زد و گفت توکل به خدا کن و صبور باش. با یکی از دوستان که در زمینه روان‌شناسی خانواده اطلاعات مفیدی دارد، مشورت می‌کنم و انشاء الله با کمک هم مشکل را رفع می‌کنیم. خانم فروغ بالبخندی تلخ خداحفاظی کرد. طبق قرار، خانم گلستان با دوست روان‌شناسش تماس گرفت و آن‌چه را که در مورد مشکلات خانم فروغ از ایشان شنیده بود، با او در میان گذاشت. دوست خانم گلستان اطلاعات ارائه شده را ناکافی عنوان و اشاره کرد، همین مقدار از شواهد نشان می‌دهد که خانم فروغ و همسرش برای برقراری روابط صمیمی و درک احساسات از جانب هم‌دیگر، با مشکلاتی مواجه هستند. آن‌ها در زندگی زناشویی دچار تعارض شده‌اند. خانم گلستان ضمن تشکر از راهنمایی‌ها و توضیحات یار قدیمی خود، از ایشان خواست چند کتاب برای مطالعه به او معرفی کند تا بتواند بهتر و دقیق‌تر در مسیر کمک به خانم فروغ قدم بردارد. ساعتی بعد، بین کتاب‌های کتابخانه شخصی اش، کتاب «عشق هرگز کافی نیست» را پیدا کرد. در صفحات آغازین کتاب (موضوع مورد بحث خانواده درمانی) با تعریف تعارض آشنا شد. تعارض این‌گونه تعریف شده است:

تعارض، ویران‌کننده زندگی

تعارض در روابط وقتی بروز می‌کند که رفتار یک شخص با توقعات شخصی دیگر هماهنگ نباشد. تعارض زناشویی، از واکنش نسبت به تفاوت‌های فردی ناشی می‌شود و زمانی قوت می‌گیرد که احساس خشم، خصومت، کینه، نفرت، حسادت، سوءرفتار کلامی و فیزیکی، بر روابط زوج‌ها حاکم شود. تعارض هم‌چنین از دیدگاه نظاموار، تنابع بر سر تصاحب پایگاه و منابع قدرت است که در جهت حذف امتیاز دیگری و افزایش امتیازات خود بروز می‌کند.^۱

در بخش دیگر از این کتاب آمده است:

تعارضات بین فردی، به اندازه روابط اجتماعی، فراگیر و گستره‌اند. از این‌رو، تجربه سطوح متواتی از تعارض، اختلاف نظر و رنجش در تعاملات یک زوج، امری بدینه و غیرقابل اجتناب است و آن‌چه در این امر مهم است، سبک مقابله با تعارض است. اگر تعارض بهطور کارامد اداره شود، از سکون و رکود ارتباط جلوگیری می‌کند و در زوجین مهارت‌های مثبت و کارامد منطبق با رویدادهای فشارزا ایجاد می‌کند. حتی یادگیری این رویکرد می‌تواند فرد را در مقابل دیگر رویدادهای فشارزای زندگی هم مقاوم‌تر کند. ولی اگر

تعارض بهطور ضعیفی اداره شود، موجب تخریب زندگی زناشویی می‌شود و اثرات زیان‌آوری بر سلامت فیزیکی و هیجانی زوجین به جامی گذارد.»

خانم گلستان پس از تأملی نه‌چندان طولانی، برای احوال پرسی با منزل خانم فروغ تماس گرفت. خانم فروغ با ابراز قدردانی از تماس مدیر، مجدداً بابت تأخیر آن روزش عذر خواست و بابت صحبت‌های آرام‌بخش وی تشکر کرد. خانم گلستان از نحوه گفت‌وگوی همکارش متوجه شد که فضا برای ادامه حرف‌های صبح امروز مهیا است. در ضمن، خانم فروغ با بیان این نکته که احتمال می‌دهد ازدواجش به بن‌بست رسیده و طلاق را پیش‌بینی می‌کند، باب گفت‌وگو را فراهم کرد.

گفت‌وگو

خانم گلستان که فرصت را مناسب یافته بود، سعی کرد با بیان عبارات مثبت، نور امید را در دل دوست و همکارش جای دهد. عباراتی مانند: «با درایتی که در شما سراغ دارم، مطمئنم از این موقعیت رها می‌شویم.»، «مطمئنم می‌توانی وضعیت موجود را تغییر دهی.»

«با فراهم آوردن فرصت‌های مناسب مثل گفتمان با همسر، مشاوره با افراد با تجربه، مطالعه... کمک کنید تا شیوه‌های مخرب و ناکارامد مثل ایجاد فاصله‌های ارتباطی، دور شدن از هم‌دیگر، بی‌محبتی و عشق را از صحنه زندگی زناشویی‌تان حذف کنید.»

خانم گلستان به منظور جلوگیری از طولانی شدن بحث و استفاده از فرصت‌هایی که بتواند چهره به چهره با خانم فروغ ارتباط برقرار کند، با بیان این جمله که بیشتر این تنش‌ها و موقعیت‌های ازاز دهنده، در سال‌های اولیه زندگی زناشویی، به دلایلی از جمله درک نکردن احساسات ناتوانی در برقراری روابط صمیمی، ابراز و اکنش منفی نسبت به تفاوت‌های فردی زوجین، افزایش امیازات فردی زوجین و بسیاری عوامل دیگر بروز می‌کند، به گفت‌وگو با ایشان پایان داد و اظهار امیدواری کرد، در فرستی که چندان دور نباشد، با خانم فروغ به صحبت بنشیند، تجربه‌های خود را با هم به شرکت بگذارند و شریک راه رشد و تعالی شوند.

ماجرایی که خواندید، دنباله دارد. بنا داریم در این سلسله مطالب، مسائل و مشکلات زندگی زوج‌ها، خصوصاً زوج‌های جوان را بررسی کنیم.

حتمًا شما هم اذعان دارید که خصوصاً معلم، از زمرة شاغلانی است که کوله‌بار مسائل و مشکلات خارج از حوزه درس و مدرسه را پشت در مدرسه و گاهی هم کلاس، بر زمین می‌گذارد و ساعت‌های حضور در کلاس را فقط به شاگردانش می‌اندیشد. اما حتماً برای شما هم پیش آمده است شرایطی که آثار سنگینی کوله‌بار زمین گذاشته، از چهره‌تان نمی‌رود. این بار ما در سلسله مطالبی می‌خواهیم گزیری به بار داخل برداریم تا با کاستن از آن و سبک‌تر کردن کوله، این آثار را از چهره‌اش نیز بزداییم.

پی‌نوشت

۱. بـ، آرون. تـ. ۱۹۹۴). عـشـقـ هـرـگـ کـافـیـ نـیـسـتـ. تـرـجمـهـ مـهـدـیـ قـرـاجـدـاعـیـ. تـهـرـ. نـسـرـ پـیـکـانـ.

یک سؤال و چند جواب بی‌ربط

ترجمه: مریم نصیری

قالب‌های فکری و ذهنی از مهم‌ترین موانع خلاقیت محسوب می‌شوند. لذا باید متوجه این چارچوب‌ها بود و از آن‌ها شد. گاهی قالب‌ها، مفروضات نادرستی هستند که ذهن به آن‌ها عادت کرده و گریز از آن‌ها بسیار دشوار است. نمونه‌زیر، رفتاری در قالب ذهنی یک معلم است که می‌توانست مانع از بروز خلاقیت یک دانشمند بزرگ فیزیک جدید شود.

بعضی از سؤال‌ها چندین جواب دارند ارنست روتوفورد^۱ برنده جایزه نوبل برای شکافتن اتم، در خاطراتش گفته است: روزی یکی از همکارانم به من زنگ زد و گفت که قصد دارد به دانشآموزی، به خاطر پاسخش به یک سؤال فیزیک، نمره صفر بددهد، اما دانشآموز ادعا می‌کند نمره کامل را می‌گیرد. معلم و دانشآموز موافقت کرده بودند که یک داور بی‌طرف را انتخاب کنند و من انتخاب شدم. من سؤال امتحانی را خواندم. سؤال این بود: «چه طور می‌توان به وسیله یک فشارسنج، ارتفاع ساختمان بلندی را تعیین کرد؟» دانشآموز پاسخ داده بود: «فشارسنج را بالای ساختمان ببرید، ریسمان بلندی به آن متصل کنید و آن را از بالا به خیابان بیندازید



و سپس فشارسنج را بالا بیاورید. طول طناب را اندازه بگیرید. ارتفاع ساختمان برابر با طول طناب به اضافه طول فشارسنج است.»

حقیقتاً، دانشآموز استدلال محکمی برای کسب نمره کامل داشت. چرا که او کاملاً و به درستی به سؤال پاسخ داده بود! از طرف دیگر، اگر نمره کامل به او داده می‌شد، به حق نمره بالایی در درس فیزیک می‌گرفت که نشان‌دهنده صلاحیت او در درس فیزیک بود. اما این پاسخ مورد قبول نبود.

من پیشنهاد کردم که دانشآموز پاسخ دیگری بدهد. شش دقیقه به او وقت دادم تا به سؤال جواب دهد. متذکر شدم که در پاسخ خود از اصول علم فیزیک استفاده کند. پس از پنج دقیقه، هنوز او چیزی ننوشته بود. از او پرسیدم که آیا می‌خواهد از پاسخ دادن دست بکشد، اما او گفت پاسخ‌های بسیاری برای حل این مسئله دارد و فقط در حال فکر کردن به بهترین پاسخ است. از این که مزاحم کار او شده بودم، عذرخواهی کردم و از او خواستم به کارش ادامه دهد.

روش‌های حل مسئله

در یک دقیقه باقی مانده، دانشآموز جوابش را به سرعت نوشت. پاسخ این بود: «فشارسنج را به بالای ساختمان ببرید و آن را به ریسمان بلندی وصل کنید و فشارسنج را اندکی بالاتر از سطح خیابان به پایین بیندازید و سپس آن را همانند یک پاندول به جلو و عقب حرکت دهید. سپس، شما می‌توانید ارتفاع ساختمان را با حرکت تقدیمی محاسبه کنید.»

در نهایت، روش‌های بسیار دیگری برای حل مسئله وجود دارد. او گفت: شاید بهترین روش این باشد که فشارسنج را به زیرزمین ببرید و در اتاق سرایدار را بزنید و به او بگویید: «آقای سرایدار دوست دارید این فشارسنج خوب مال شما باشد؟ اگر ارتفاع این ساختمان را به من بگویید، من این فشارسنج را به شما می‌دهم.»

جواب اول

در این زمان از دانشآموز پرسیدم، آیا او واقعاً پاسخ متداول این سؤال را نمی‌دانسته است؟ او گفت که از اول جواب را می‌دانسته، اما از این که معلمان دبیرستان و دانشکده می‌کوشند به او چگونه فکر کردن را یاد بدهند، خسته شده است. این دانشآموز نیلز بو^۱ بود. فیزیکدان دانمارکی (۱۸۸۵-۱۹۶۲) که در سال ۱۹۲۲ به خاطر پیشنهاد اولین مدل اتم با پروتون‌ها و نوترون‌ها و حالت گوناگون انرژی الکترون‌های اطراف، یعنی شکل شماتیک آشنای هسته کوچک که به وسیله سه مدار بیضی شکل احاطه شده است، برنده جایزه نوبل شد. اما جالب‌تر این است که او مبتکر نظریه کوانتم است.

پی‌نوشت

1. Ernest Rutherford
2. Niels Bohr

منبع

http://www.cooperativeindividualism.org/bohr_storyontests.html

برای مثال، می‌توانید فشارسنج را در یک روز آفتابی بیرون ببرید و ارتفاع فشارسنج، طول سایه آن و طول سایه ساختمان را اندازه بگیرید و با استفاده از قضیه‌ای ساده، ارتفاع ساختمان را تعیین کنید.

گفتم: «بسیار خب! و چه راههای دیگری برای این اندازه‌گیری وجود دارد؟»

دانشآموز گفت: «یک روش اندازه‌گیری بسیار ساده

و دوست‌داشتنی هم وجود دارد. فشارسنج را بردارید

دانشآموز گفت:
از این که معلمان
می‌کوشند به او
چگونه فکر کردن
را یاد بدهند، خسته
شده است

تحلیل محتوایی کتاب‌های فارسی اول و دوم دوره راهنمایی
و بررسی میزان انطباق آن‌ها با نیازها و علاقه‌های دانش‌آموزان

روایت آمنش تصویر

علی‌اکبر‌کمالی‌نهاد

کارشناس بررسی محتوای آموزشی

اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی

محمد بهاری

معلم زبان و ادبیات فارسی شهرستان شازند

■ طرح سوال‌ها و افق‌های تازه و جدید: مانند آوردن درس‌هایی با عنوان: «درس آزاد» که باعث شکوفایی ذهنیات و کشف توانمندی‌های دانش‌آموزان می‌شود. ارک، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، ۱۳۸۹]. بخش‌هایی با عنوانی «فکر کنید»، «فرصتی برای اندیشیدن» و «تفکر و تحلیل» در بخش‌های «روان‌خوانی» کتاب‌های فارسی، باعث ایجاد سوال‌هایی جدید می‌شود.

■ تناسب میان حجم اطلاعات اصلی و حجم اطلاعات جنبی: کتاب‌های جدید در مقایسه با کتاب‌های قبلی، از ایجاز بهتری برخوردارند و مطالب مورد نظر در قالب متن‌ها و بخش‌های کوتاه و مناسب‌تری ارائه شده‌اند؛ مانند بخش‌های روخوانی (اطلاعات جنبی) متناسب با متن اصلی (مفاهیم اصلی)، که هر دو قسمت تقریباً از نظر حجم برابرند و با یکدیگر قربت مفهومی دارند.

ارزیابی روشی

● در کتاب‌های مزبور، روش ارائه مطالب به شیوه یک‌طرفه نیست و در نتیجه دانش‌آموزان را فقط اثربزیر و منفعل تربیت نمی‌کند؛ بلکه زمینه‌های برخورد فعالانه او را فراهم می‌کند؛ مانند چینش و سازمان‌دهی پرسش‌هایی با عنوان «خودارزیابی».

نوعی از تحلیل که برای برنامه‌ریزان درسی و مؤلفان بسیار مفید و ضروری است، «تحلیل محتوا» است. این نوع تحلیل کمک می‌کند تا مفاهیم، اصول، نگرش‌ها و... در قالب درس‌های کتاب، به طور عملی بررسی و با اهداف برنامه درسی، مقایسه و ارزش‌یابی شوند. [یارمحمدیان، ۳۷۷: ۳۳].

ارزیابی محتوایی

مهم‌ترین بخش نقد کتاب، ارزیابی محتوایی آن است.

شاخص‌های ارزیابی محتوایی کتاب‌های درسی عبارت‌انداز:

■ روز آمدی: به روز شدن کتاب‌های فارسی راهنمایی، از مهم‌ترین اهداف محتوایی آن هاست که تا حدی انجام شده است. امانکته مهمی که در این قسمت مدنظر قرار نگرفته است، گنجاندن مطالبی در این کتاب هاست که نیازمند استفاده از رایانه و نرم‌افزارهای کامپیوتری باشند تا دانش‌آموزان از رایانه و سایر وسائل و فناوری‌های توین آموزشی، در راستای یادگیری بهتر و مؤثرتر، بهره ببرند.

■ مرتبه بودن مطالب کتاب درسی با سایر دروس وابسته: رعایت ارتباط افقی، از دیگر موارد شایان ذکر است؛ بین محتوای کتاب‌های فارسی سال‌های اول و دوم راهنمایی با سایر کتاب‌های درسی همان پایه، تناسب و هماهنگی وجود دارد.



تعداد موارد استفاده
از جمله‌های مرکب و
طولانی زیاد است و
مناسب نیست

دانشآموزان می‌شوند و حس کنجکاوی و جستجوگری آن‌ها را برمی‌انگیرند.

از زیبایی شکل ظاهری

○ **حجم کتاب:** با توجه به ساعات تدریس در هفته وجود وقت لازم برای این کار، حجم کتاب مناسب و کافی به نظر می‌رسد.

○ **طبقه‌بندی و فصل‌بندی کتاب:** تقریباً بین حجم صفحه‌های هر فصل با قیمه فصل‌های کتاب، تناسب منطقی وجود دارد و هر فصل تقریباً بین ۱۷ تا ۲۴ صفحه حجم دارد.

○ **کیفیت حروف‌نگاری (تایپ):** در کتاب‌های فارسی راهنمایی از حروف‌نگاری‌های متفاوت و زیبایی استفاده شده و جای یکسانی حروف‌نگاری کتاب‌های قبلی را به خوبی گرفته است. مثلاً از برعنوان هادر متن کتاب با حروفی متفاوت (از نظر رنگ، نوع و اندازه) آمداند.

○ **صفحه‌آرایی کتاب:** صفحه‌آرایی کتاب‌های فارسی جدید تا حدی کامل شده‌اند، ولی از نظر به کارگیری رنگ‌ها اشکال‌هایی دارند و باید رنگ‌های گرم و روشن‌تر جای رنگ‌های سرد و تیره را بگیرند.

○ **نوع کاغذ:** استفاده از کاغذ خوب و سفید رنگ، بر جذابیت بیشتر کتاب‌ها مفید است. در برای این کتاب‌ها، این مسئله رعایت شده و ایرادی بر آن وارد نیست.

○ **نوع جلد کتاب:** در پشت و روی جلد کتاب فارسی اول، از رنگ‌های روشن و شکل‌هایی ساده استفاده شده است. روی جلد کتاب فارسی دوم، زیباتر است و استفاده از تصاویر گل، پرنده و... همراه با سادگی، نشان‌دهنده هم‌سویی ادبیات و هنر است.

منابع

۱. انوری، حسن و علی محمد پشت دار (۱۳۷۷). آینه نگارش و ویرایش. ۲. دانشگاه بیام نور، تهران.

۳. رضی، احمد (۱۳۸۸). شاخه‌های نقد کتاب‌های درسی. سخن سمت، تهران.

۴. سلیمان‌پور، جواد (۱۳۸۳). برنامه‌ریزی درسی با تأکید بر تحلیل محتوا احسن. تهران.

۵. مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی (۱۳۸۹). سماوه آزاد. تغییر داشته درسی. دفتر انتشارات کمک آموزشی. دوره شانزدهم.

۶. مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی (۱۳۸۹). «گروهی های انسانی»، «کارگروهی»، «خودآرزویی» و «انشا» آمده است که دانشآموزان پایانی از این های پاسخ بدنهند.

۷. در پایان هر درس، «تمرین‌های «گوناگون»، «کارگروهی»، «خودآرزویی» و «انشا» آمده است که دانشآموزان باید به صورت انفرادی یا گروهی به آن‌ها پاسخ بدeneند.

۸. تمرین‌های «کارگروهی»، باعث تقویت روحیه مشارکت و هم‌بازی بین دانشآموزان می‌شوند. در سازمان‌دهی پرسش‌های «خودآرزویی»، به سطوح ادراکی و آموزشی سؤال‌ها به دید علمی نگریسته شده است. نقدی که وارد است، این که اگرچه وجود «درس آزاد» یکی از ویژگی‌های مثبت کتاب‌های جدید است، اما به دلیل این که در بخش‌های پایانی قرار دارد و با پایان سال تحصیلی همراه می‌شود، بازخورد مناسبی ندارد و با توجه به اشتیاق دانشآموزان به این گونه موارد، بهتر است این درس‌ها بین درس‌های ۱-۱۰ کتاب گنجانده شوند.

۹. در هر دو کتاب، جدول‌هایی درون تمرین‌ها آمده‌اند که باعث ایجاد تنوع در تمرین‌ها و باعث فعل ترشدن فکر

● از دیدگاه برنامه‌ریزان، واژه دانشآموز، رنگ باخته است و واژه جدید «یادگیرنده فعال» جای آن را گرفته است. بنابراین، یکی از محاسن کتاب‌های تازه تألیف، استفاده از روش‌های متفاوت یاددهی - یادگیری فعال و پویاست.

● در متن‌های تاریخی و حکایت‌ها، نقش ماجراجوی تصویر اهمیت ویره‌ای می‌یابد و رویکرد آموزشی تصویر، با نقش روایتی و ماجراجویی آن در هم می‌آمیزد. نقدی که از نظر تصویر وارد است، استفاده از تصویرهایی است که در آن‌ها رنگ‌های سرد و تیره غلبه دارند و نیاز به بازنگری و تجدیدنظر دارند.

از زیبایی زبانی

میزان رعایت زبان علمی در کتاب‌های درسی از مهم‌ترین موارد نقد کتاب است. زبان علمی، زبانی است که شفاف باشد و در آن از تعابیرهای مستقیم و واضح استفاده شود و خواننده را مستقیم به هدف مورد نظر راهنمایی کند. از ویژگی‌های کتاب‌های فارسی راهنمایی، توجه به سعاد خواندن است که در تألیف کتاب‌های جدید، از نتایج آزمون‌های جهانی «پرزل» به منظور تحکیم مبانی علمی و محتوایی کتاب‌ها استفاده شده است [۱]. رشد آموزش راهنمایی تحصیلی: ۴۰]. در متن دروس تعداد موارد استفاده از جمله‌های مرکب و طولانی زیاد است و مناسب نیست. از سرفه‌نویسی و گرتهداری‌های نابجا و نادرست پرهیز شده است، و مبحث وام‌گیری واژه با عنوان «قرض‌دهی و قرض‌گیری واژه‌ها» در صفحه ۵۹ کتاب فارسی پایه دوم ارائه شده است؛ هر چند خیلی کوتاه و ناقص به معادل سازی اصطلاحات تخصصی فقط در صفحه ۴۱ کتاب فارسی سال اول پرداخته شده است و تنها در تمرين صفحه ۴۳ همان کتاب، معادل فارسی چند واژه خواسته شده است که بسیار محدود و ناقص به نظر می‌رسد.

از زیبایی ساختاری

یکی از ایرادهای مهم، نداشتن اهداف کلی در متن کتاب است؛ مقدمه کتاب که با زیر عنوان «سخنخی با دیبران» آمده است، شامل نکته‌های مورد نیاز دیبران، نحوه ارزش‌بازی مستمر و پایانی از کتاب فارسی و املای فارسی است.

در پایان هر درس، «تمرین‌های «گوناگون»، «کارگروهی»، «خودآرزویی» و «انشا» آمده است که دانشآموزان باید به صورت انفرادی یا گروهی به آن‌ها پاسخ بدeneند. تمرین‌های پایانی هر درس از تنوع کیفی و کمی برخوردارند. تمرین‌های «کارگروهی»، باعث تقویت روحیه مشارکت و هم‌بازی بین دانشآموزان می‌شوند. در سازمان‌دهی پرسش‌های «خودآرزویی»، به سطوح ادراکی و آموزشی سؤال‌ها به دید علمی نگریسته شده است. نقدی که وارد است، این که اگرچه وجود «درس آزاد» یکی از ویژگی‌های مثبت کتاب‌های جدید است، اما به دلیل این که در بخش‌های پایانی قرار دارد و با پایان سال تحصیلی همراه می‌شود، بازخورد مناسبی ندارد و با توجه به اشتیاق دانشآموزان به این گونه موارد، بهتر است این درس‌ها بین درس‌های ۱-۱۰ کتاب گنجانده شوند.

در هر دو کتاب، جدول‌هایی درون تمرین‌ها باعث فعل ترشدن فکر



واژه دانشآموز، رنگ باخته است و واژه جدید «یادگیرنده فعال» جای آن را گرفته است.

۱. یارمحمدیان، محمود (۱۳۷۷). اصول برنامه‌ریزی درسی. دوازده کتاب. تهران.

۲. شماره ۲ آبان ۹۰ دوره ۱۷

۳. ۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

۴۱

نگاهی به شعر «زنگ آفرینش» از کتاب فارسی سال اول راهنمایی

سید عبدالعلی هاشمی ارسنجانی

اول سال است. ترجیحاً باید گفت اول سال خورشیدی (به قرینهٔ تعبیراتی همچون «روز نوبهاری» و «جنگل سبز»). از دیدگاهی ادبی نیز می‌توان مهر ماه را نوبهار دانست (آغاز پیروزش شکوفه‌های استعداد).

بچه ها گرم گفت و گو بودند
باز هم در کلاس، غوغابود
هو یکی برگ کوچکی در دست
باز انگار زنگ انشا بود

شاعر به صورت غیرمستقیم بیان می‌کند، اگر معلم هنرمند باشد، می‌تواند کلاس انسا را به محیطی تبدیل کند که دانش آموزان برای فاراسیدن آن، لحظه‌شماری کنند. «برگ کوچک» ایهام ظریفی دارد: برگ دفتر و برگ درخت

بیانی ادبی

شعر «زنگ آفرینش» که در کتاب فارسی جدید سال اول راهنمایی آمده است، از مجموعه شعر «به قول پرستو» برگزیده شده است. بیانی ادبی در حد فهم یک نوجوان و حتی کودکان، ویژگی آشکار این سروده است؛ بزرگترها نیز می‌توانند از آن لذت هنری ببرند. «ساختمار عمودی شعر، طرحی داستانی - روایی دارد. شاعر... به خوبی از عنصر جان پخشی به اشیا و از شخصیت‌های حیوانی بهره برده است و از این دید به گونه‌ای یادآور فضای داستانی «فابل» است.»^۲ [اقامه پور مقدم و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۹۷]. داین سروده، گونه‌ای از مراعات نظیر دیده می‌شود که در کتاب فارسی سوم راهنمایی [۱۳۸۹: ۴۸] «رنجیره معنایی» یا «شبکه معنای» نامیده شده است.^۳

ی...
صبح یک روز نوبهاری بود
روزی از روزهای اول سال
بچه‌ها در کلاس جنگل سبز
جمع بودند، دور هم خوش حال

چهره خندان

تا معلم ز گرد راه رسید
گفت با چهره‌ای بیز از خنده

مهرماه، نوبهاری است

شاعر به شیوه داستان سرایان معاصر، زمان و مکان داستان واره خود را مشخص می‌کند: زمان، روزی از روزهای



غنچه خندان

بسته بودن غنچه، در سنت ادبی فارسی، زیاد مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه: «خرم‌شاهی، ۹۴۳: ۱۳۷۲ و ۹۴۴: قیصر نیز در سرودهای دیگر، دلتنگی را به غنچه و خندان بودن را به گل نسبت داده است [۱۳۸۶: ۹]. در سنت ادبی فارسی، معمولاً لبخند را به گل، شبیه می‌کنند، اما شاعر با جایه‌جا کردن دو طرف شبیه، شبیه جدیدی ساخته است. این، یکی از روش‌های نو کردن شبیه‌های تکراری است. دکتر شمسیا این‌گونه شبیه را جزو یکی از انواع شبیه معمکوس یا مقلوب قرار داده است [۱۳۷۹: ۱۲۸؛ ۱۲۹: ۱۲۹].

گرم چیزی شدن، یعنی با توجه کامل، مشغول و سرگرم چیزی شدن. در ضمن، با توجه به این که اصطلاح «راز و نیاز» معمولاً در لغایه خدا به کار می‌رود، به نظر می‌رسد به معنی دعا و نیایش باشد، اما در واقع این اصطلاح به معنی «درد دل» و «گفتن ما فی الصمیر با معشوق» است [معین، ۱۳۷۱: ۱۶۲۰].

جوچه گنجشک گفت: می خواهم
فارغ از سنگ بچه‌ها باشم
روی هر ساخه، جیک جیک کنم
در دل آسمان رها باشم

سنگ انداختن

آرزوی جوچه گنجشک، برون فردی است. شاعر می‌خواهد یکی از مضطالت اجتماع را بیان کند: «سنگ پیش پای دیگران انداختن». از طرف دیگر، جوچه گنجشک یکی دیگر از دغدغه‌های شاعر درد آشنا را نیز بیان می‌کند: در جامعه یا دهکده جهانی، بسیاری از افراد، آگاهانه و مغضبانه یا ناگاهانه، حق طبیعی دیگران را زیر پا می‌گذارند و آزادی‌های مشروع را زان‌ها می‌گیرند. این نکته ظرفی، برگفته از بخشی از خاطرات کودکی شاعر است. در شهرهایی مانند دزفول و شوشتر، هم‌جون بعضی از مناطق دیگر، بچه‌ها با تیروکمان، آن قدر به شکار گنجشک‌ها می‌پردازند که هنوز هم گوشت گنجشک یکی از غذاهای اصلی در این مناطق به حساب می‌آید.

جوچه کوچک پرستو گفت:
کاش با بد، ره‌سپار شوم
تا افق‌های دور، کوچ کنم
باز پیغمبر بهار شوم

این بند نیز بیان آرزوی‌های برون فردی است. پرستو پیام‌آور بهار است. بهار، یعنی آرمانی ترین آرزوی هستی. پرستو احساس می‌کند آرمان‌ها از جامعه انسانی پر کشیده‌اند. «پیغمبر بهار» را نیز می‌توان به دو گونه معنی کرد: «پیغمبری که از طرف بهار آمده است» و «پیغمبری که رسالت و پیامش، بهار است».

جوچه‌های کوتaran گفتند:
کاش می‌شد کنار هم باشیم
توی گلستانهای یک گنبد
روز و شب، زائر حرم باشیم

باز موضوع تازه‌ای داریم:
«آرزوی شما در آینده»

بیت نخست، بیانگر دو ویژگی دیگر از ویژگی‌های معلم موفق است: خوش رو و خندان بودن، و به محض ورود، با دانش‌آموzan ارتباط برقرار کردن. در بیت دوم، شاعر برای موضوع کلیشه‌ای «آرزوی شما در آینده»، تعبیر «موضوع تازه» را آورده است که ایهام دارد: نخست این که با توجه به مصطلح «باز انگار زنگ انشا بود»، اگر معلم در جلسه قبل، موضوع دیگری را با دانش‌آموzan کار کرده باشد، «آرزوی شما در آینده»، یک موضوع تازه (در آن سال تحصیلی) است. دیگر این که هر چند دانش‌آموzan در هر سال تحصیلی با موضوع «آرزوی شما در آینده» بروخود کرده‌اند، اما با توجه به پویایی انسان، آرزوی‌ایش نیز پیوسته در حال تغییر است.

شبین از روی برگ گل برخاست

گفت: می خواهم آفتاب شوم

ذره ذره به آسمان بروم

ابر باشم، دوباره آب شوم

تخیل

حال هنگام شروع انشاخوانی است. شاعر، در این جا نیز به یکی از نکات روش تدریس و کلاس‌داری توجه دارد: روش‌های فردی و روش‌های گروهی. دیگر این که در بیان آرزوی‌های هر یک از موجودات، به اصل کمال هر چیزی توجه شده است. بر جسته‌ترین آرایه ادبی این سروده، (تشخیص) نیز از این بند به بعد، به صورت بر جسته‌تری خود را نشان می‌دهد. شاعر هم‌چنین به دو نکته مهم در ادبیات کودک و نوجوان توجه داشته است: توجه به «تخیل» و استفاده از «شخصیت‌های غیرانسانی» به ویژه حیوانات.

قابلیه بیت اول، «آفتاب» و قسمت آخر این واژه «اب» است که می‌توان آن را «آب» در نظر گرفت؛ در این صورت، با بعضی از واژه‌های این بند، همچون «شبین»، «ابر» و حتی «آب»، مراجعات نظریه دارد. استفاده از واژه آفتاب، از لحظه دیگر نیز، عمده است. شاعر به ظاهر چرخه آب را بیان کرده، اما اصطلاح «آفتاب شدن» در این جا به معنی محو شدن شبین در نور آفتاب است. «هم‌چنین شاعر به سنت ادبی تقابل شبین و آفتاب (مانند ذره و آفتاب) نیز توجه دارد.»

دانه آرام بر زمین غلتید

رفت و انشای کوچکش را خواند

گفت: باغی بزرگ خواهم شد

تا ابد، سبز سبز خواهم ماند

به گونه‌ای ظریف، بین «دانه کوچک» و «باغ بزرگ»

تضاد برقرار شده است. از نظر مفهومی نیز، همین تضاد را می‌توان در نظر گرفت: دانه به ظاهر کوچک، توانایی آن را دارد که باغی بزرگ و همیشه ماندگار شود.

غنچه هم گفت: گرچه دلتنگم

مثل لبخند، باز خواهم شد

بانسیم بهار و بلبل باع

گرم راز و نیاز خواهم شد

سرشار از عشق و محبت معلم، برجسته‌تر می‌شود؛ زیرا او حتی در تنهایی خویش... تنها آرزوی خود را کامروانی بچه‌ها می‌داند و... همچون دیگر بچه‌ها تکلیف خود را به شایستگی انجام داده و انشای زندگی خویش را قرائت کرده است» [همان: ۱۰۵]

شاعر با ظرفات می‌گوید، معلم هم، انشا می‌نویسد و اتفاقاً او همان انشایی را می‌نویسد که به بچه‌ها گفته است^۴ و این یکی از شگردهای معلمان موفق انشاست که همراه با بچه‌ها می‌نویسند تا بچه‌ها به نوشتن تشویق شوند. سخن آخر این که معلم در این سروده داستان وار کیست؟ وقتی که شاعر تقریباً به همه عناصر داستانی توجه داشته است، چرا کیستی (نه چیستی) معلم را مشخص نکرده است؟ دست کم می‌توان دو پاسخ را بیان کرد: نخست این که این شخصیت، موجودی فرازمنی است که باطن پاک و روشن او برای بسیاری از افراد، ناشناخته است. این‌ها افرادی به ظاهر زمینی هستند که خود به کمال رسیده‌اند و می‌کوشند تا با دست گیری دیگران، طعم شیرین این «آرزوی رنگین» را به دیگران بچشانند. پاسخ دوم این که شاعر که خود از بزرگ‌ترین معلمان انشاست، عمداً کیستی معلم را معرفی نکرده تا - همان‌گونه که از ویزگی‌های برخی از داستان‌های ادبیات جهان و ادبیات معاصر، گذاشتن نکات مبهمی در داستان است - خوانندگان این شعر نیز ذهن خود را پویا کنند و هر کسی به تناسب سن و سال خود و باهله‌گیری از قدرت تخیل، کیستی این معلم را مشخص کند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود معلمان عزیز نیز از معرفی کیستی این معلم بپرهیزنند تا نوجوانان، خودشان کیستی این معلم را مشخص کنند.

پی‌نوشت

1. fable

۲. در کتاب «ادبیات کودکان و نوجوانان» و «راهنمای معلم فارسی اول راهنمایی» نقد بسیار مفید دیگری درباره این سروده زیبا آمده است.
۳. براپسان توضیحات ارزنده دکتر محمد رضا سنتگری. همچنین از استادان عزیز، دکتر فردیون اکبری شلدره‌ای و دکتر حسین قاسم پور مقدم و از دیگران عزیزی که پیش از چاپ، این مقاله را مطالعه و نکات ارزنده‌ای را گوشزد کردن، سپاس‌گزاری می‌شود.

منابع

۱. اکبری شلدره‌ای، فریدون و دیگران. راهنمای معلم فارسی اول راهنمایی. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. گروه زبان و ادبیات فارسی. تهران. تاسیستان ۱۳۸۷.
۲. فارسی اول راهنمایی. چاپ چهارم. شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. تهران. ۱۳۸۸.
۳. فارسی سوم راهنمایی. چاپ دوم. شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران. تهران. ۱۳۸۹.
۴. امین پور، قیصر. به قول پرستو. چاپ سوم. نشر افق. تهران. ۱۳۸۶.
۵. خرم‌شاهی، بهاءالدین. حافظنامه، ۲، چاپ پنجم. انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش. تهران. ۱۳۷۲.
۶. شمیسا، سیروس. بیان (ویرایش ۲). چاپ هشتم. انتشارات فردوس. تهران. ۱۳۷۹.
۷. قاسم پور مقدم، حسین و دیگران. ادبیات کودکان و نوجوانان (همراه با نقد و تحلیل نمونه‌های شعر و قصه). چاپ چهارم. مؤسسه فرهنگی آیندگان. تهران. ۱۳۸۸.
۸. معین، محمد. فرهنگ فارسی. چاپ هشتم. انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۷۱.

گنبد و گلدسته

آخرین انشاخوانی، انشای گروهی جوجه کبوتران است. آرمان مطرح شده اگرچه از نوع نیازهایی است که هر فرد به صورت جداگانه به آن می‌پردازد، اما بیان دسته‌جمعی این آرزو، بیانگر نیاز اجتماعی به این مطلب است. هر چند نیایش به ظاهر فردی است، اما کمترین دستاوردن آن، امنیت است و امنیت، مسئله‌ای اجتماعی است.

واژه «گلدسته»، از نظر زیبا‌شناختی قابل توجه است. گلدسته یعنی «دسته گل». هر چند این واژه با واژه‌های «گنبد» و... مراعات نظیر دارد، با توجه به ساخت اصلی این واژه (دسته گل) می‌توان به ارتباط این کلمه با دیگر واژه‌های این سروده که از پدیده‌های طبیعت هستند، پی برد. بنابراین، از یک طرف معنای کلمه (مناره) با چند واژه مراعات نظیر دارد و از طرف دیگر، ساخت واژه (دسته گل) با واژه‌های دیگری تناسب دارد (ایهام تناسب). نکته دیگر این که شاعر با زبان خارج شده است. در چنین مواردی، جوجه کبوتران، بچه‌های زیبا و... گفته می‌شود. اما این خروج از هنجار زبانی، به قدری طریف است که حداقل در خوانش‌های نخست به چشم نمی‌آید. زبان شاعر نیز چنان صمیمی است که واژه گفتاری «توى» به راحتی خودش را در این بند جا داده است.

زنگ تفریح را که زنجره زد

باز هم در کلاس، غوغای شد

هر یک از بچه‌ها به سویی رفت

و معلم، دوباره تنها شد

در این بند، دو نکته دقیق، قابل توجه است: نکته نخست واژه «زنجره» است. زنجره از نظر زیبا‌شناختی برجسته‌ترین واژه در این شعر است. این واژه از دو جهت می‌تواند با زنگ، ارتباط داشته باشد: با توجه به این که در زبان فارسی، در بسیاری از واژه‌ها، حرف «گ» به حرف «ج» تبدیل شده است، به نظر می‌رسد که زنجره در اصل «زنگره» بوده است. (قس. «زنگره» = زنگله = زنگوله). ارتباط دیگر زنجره با زنگ، از نظر صداست. صدایی که زنجره یا سیر سیرک (جنس نر آن) تولید می‌کند [معین، ۱۳۷۱: ۱۷۵۲] بسیار شبیه به صدایی است که از زنگ اخباری مدارس ایجاد می‌شود. نکته طریف دیگر، استفاده فراوان از قید تکرار در کل سروده است؛ «گویی...» می‌خواهد بگوید در گذشته هم باز ها چنین وضعی تجربه شده است» [۱۰۴: ۳۸۷]. قید تکرار «دوباره» در مصraع «و معلم دوباره تنها شد»، بیانگر حکایت همیشگی تنها‌ی معلم است. با خودش زیر لب چنین می‌گفت

آرزوهایتان چه رنگین است

کاش روزی به کام خود برسید

بچه‌ها، آرزوی من این است

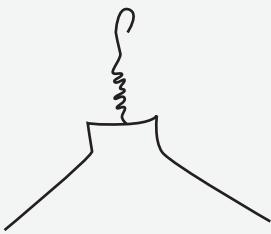
آرزوهای رنگین

آخرین بند «نشان‌دهنده فروود بسیار زیبای پرواز خیال انگیز ذهن و زبان شاعر است... باز هم صفاتی باطن

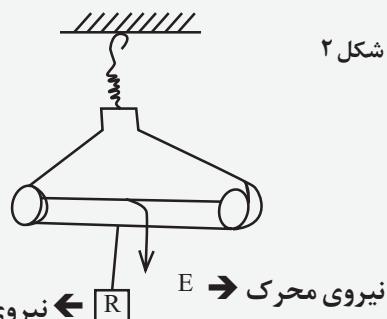
آزمایشگاهی



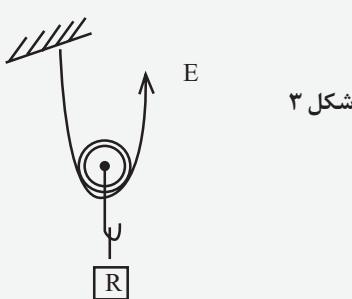
فاطمه عابدی
دبير علوم تجربی شهرستان کرج، ناحیه ۳



شکل ۱



شکل ۲



شکل ۳

یکی از مشکلات مدارس روستایی، نبود وسائل آزمایشگاهی و عدم بودجه لازم برای خرید آن هاست. البته این موضوع خیلی هم بد نیست، چرا که معلم عاشق را به فکر کردن و پویایی و امی دارد. همکاران علوم من می دانند که مفاهیم فیزیک راهنمایی را فقط به صورت تئوری نمی توان آموخت داد و انجام آزمایش ها و فعالیت های جالب، در فهم مطالب و کاربردی کردن آن ها نقش بسزایی دارد. بدین منظور، برای کارایی بیشتر در کلاس های روستایی، از دانش آموزان دوست داشتنی روستا می خواهیم با کمک هم بعضی از وسائل مورد نیاز برای آزمایش های علوم را خودمان بسازیم. یکی از این وسائل ساده، قرقه است. اگر شما هم مایل بودید، می توانید برای جذابیت بیشتر این کار را انجام دهید.

نام فعالیت: ساخت قرقه ساده
مواد لازم: مقداری سیم مفتولی، چند عدد قرقه خیاطی (خالی)، نخ کاموا

شرح

سیم مفتولی را به شکل یک چوب رختی (شکل ۱) درمی آوریم. دو طرف آن را به زاویه قائمه خم می کنیم و در سوراخ قرقه فرو می بردیم؛ به طوری که قرقه به آسانی در آن بچرخد. سپس این قرقه ساده را به صورت شکل ۲، به نقطه ای ثابت می آویزیم تا قرقه ثابت بسازیم. اگر قلاب قرقه را به وزنه بیاویزیم و یک سر نخ را به جای ثابتی بیندیم، قرقه متحرک حاصل می شود (شکل ۳). اکنون می توانید با این وسائل ساده، آزمایش های مربوط به قرقه را انجام دهید.

ارزش‌بایی

می‌شوند و اندک توجهی به جریان تدریس ندارند و یا ممکن است در جلسه تدریس غایب باشند. مسلماً این دانش‌آموزان مطالب مورد تدریس را یاد نخواهند گرفت، اما هنگامی که همین افراد خود به عنوان پرسشگر، همان موضوع به خصوص را که قبلاً تدریس شده است، از هم کلاسان خود می‌پرسند، با مهم‌ترین مفاهیم درس آشنا می‌شوند. حلقة این آموزش وقتی کامل می‌شود که هم کلاسان سوالات را درست پاسخ می‌دهند یا معلم در بحث دخالت می‌کند و موضوع را یادآوری، بسط و توضیح می‌دهد.

مراحل انجام کار ارزش‌بایی مستمر به شیوه «پرسش فعال»

۱. دانش‌آموزان کلاس را به چهار یا شش گروه تقسیم می‌کنیم.
۲. گروه‌ها را دو به دو کنار هم‌دیگر قرار می‌دهیم. مثلاً گروه الف مقابل گروه ب یا گروه پ مقابل گروه ...
۳. موضوع درس که در جلسه یا جلسات قبل تدریس شده بود، توسط دانش‌آموزان کلاس به مدت ۲۰ دقیقه دوباره مطالعه می‌شود.
۴. هر گروه از دانش‌آموزان سؤالاتی را از موضوع درس انتخاب و آن‌ها را یادداشت می‌کنند.
۵. اولین گروه مثلاً گروه الف، به صورت داوطلب جلوی کلاس صف می‌کشد.
۶. دبیر گروه، مثلاً گروه ب، اسامی افراد گروه الف را در جدولی مانند جدول زیر یادداشت می‌کند یا روی تخته کلاس می‌نویسد.
۷. سخن‌گوی گروه ب، با مشورت هم‌گروه‌های خود، از تک‌تک افراد گروه همکار پرسش می‌کند. دبیر گروه برای هر پاسخ درست یا غلط یا ناقص نمره مناسب

بسیاری از ما معلمان جریان ارزش‌بایی را فرایندی جدای از جریان آموزش و تدریس می‌پنداشیم، حال آن که با به کارگیری روش ارزش‌بایی توسط هم‌کلاسان، می‌توان بخشی از جریان ارزش‌بایی مستمر را به صورت پرسش در کلاس، عملأً به بخش تکمیل‌کننده جریان تدریس تبدیل کرد، چرا که بسیارند دانش‌آموزانی که در حین تدریس معلم، از جریان فرایند تدریس خارج



دانش‌آموزان ارزش‌بایی می‌شوند و ارزش‌بایی می‌کنند

را مقابل اسم دانشآموز در جدول یادداشت می‌کند.

قابل ذکر است، بارم هر سؤال از قبل تعیین می‌شود.

علم در این میان نقش داور را ایفا می‌کند. جریان

پرسش و پاسخ را کاملاً نظارت می‌کند و در مواردی،

با توضیحات تکمیلی، جریان آموزش را کامل می‌کند.

۸. در پایان، جمع نمره‌های هر فرد و کل گروه

مشخص می‌شود و سرگروه، نمره تک‌تک افراد گروه یا

نمره کلی گروه را اعلام و معلم نمرات آنان را در دفتر

کلاس یادداشت می‌کند.

۹. اینک گروه مقابل مثلاً ب، مورد پرسش قرار

می‌گیرد و تمام مراحل فوق تکرار می‌شود. و این

شیوه در تمام گروههای کلاسی اجرا می‌شود تا همه

دانشآموزان سنجیده شوند.

دفتر انتشارات کمک آموزشی

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به
وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

لشکر گو (برای دانش آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)

لشکر نوآموز (برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)

لشکر اشن آموز (برای دانش آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره دبستان)

لشکر چو (برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

لشکر پ (برای دانش آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگ‌سال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

◆ رشد آموزش ابتدایی ◆ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ◆ رشد تکنولوژی

آموزشی ◆ رشد مدرسه فردا ◆ رشد مدیریت مدرسه ◆ رشد معلم

مجله‌های بزرگ‌سال و دانش آموزی تخصصی

(به صورت فصلنامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

◆ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی) ◆
رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوسطه) ◆ رشد آموزش
قرآن ◆ رشد آموزش معارف اسلامی ◆ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ◆ رشد آموزش
هنر ◆ رشد مشاور مدرسه ◆ رشد آموزش تربیت بدنی ◆ رشد آموزش علوم اجتماعی ◆
رشد آموزش تاریخ ◆ رشد آموزش جغرافیا ◆ رشد آموزش زبان ◆ رشد آموزش ریاضی
◆ رشد آموزش فیزیک ◆ رشد آموزش شیمی ◆ رشد آموزش زیست‌شناسی ◆ رشد
آموزش زمین‌شناسی ◆ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای ◆ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مشاوران
و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان مرآکر تربیت معلم و رشته‌های
دیگر دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴
آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

◆ تلفن و نامبر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

| | | | | |
|----|----|----|----|----|
| ۱ | - | ۲ | ۳ | ۴ |
| ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ |
| ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ |
| ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ |
| ۲۰ | ۲۱ | ۲۲ | ۲۳ | ۲۴ |

آموزش و پرورش

شماره ۲ آبان ۹۰

دوره ۱۷

۴۷

۷

الهی



آنان که به قضاوت زندگی
دیگران می نشینند، از این حقیقت
غافل‌اند که با صرف نیروی خود
در این زمینه، خویشتن را از
آرامش و صفاتی باطن محروم
می کنند.

الهی توفیقم ده که بیش از
طلب همدردی، خود همدردی
کنم.

بیش از آن که مرا بفهمند،
دیگران را درک کنم...
پیش از آن که دوستم بدارند،
دوست بدارم.

زیرا در عطا کردن است که
می ستائیم و در بخشیدن است
که بخشیده می شویم و در مردن
است که حیات ابدی می یابیم.



دانشگاه روحانیت
دانشگاه پژوهشی اسلامی
وزیری از راست

جهاد اقتصادی

برگ اشتراك مجله‌های رشد

نحوه اشتراك:

شما می توانید پس از واریز مبلغ اشتراك به شماره حساب ۳۹۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه راه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه

شرکت افست، از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل

برگ اشتراك به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.

۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراك با پست

سفرارشی (کپی فیش را نزد خود نگهدارید).

◆ نام مجلات در خواستی:

◆ نام و نام خانوادگی:

◆ تاریخ تولد: ◆ میزان تحصیلات:

◆ تلفن:

◆ نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان: خیابان:

شماره فیش: مبلغ پرداختی:

پلاک: شماره پستی:

◆ در صورتی که قبل از مشترک مجله بوده اید، شماره اشتراك خود را ذکر کنید:

امضا:

- نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۱۱/۱۱۱
- وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir
- اشتراك مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۸۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

◆ هزینه اشتراك یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۹۶۰۰۰ ریال
◆ هزینه اشتراك یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۶۴۰۰۰ ریال